IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

دیوان [redacted] - ایالات متحده

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 7 Date of filing: 13 July 84

** AWARD - Type of Award FINAL
- Date of Award 22 June 84
_____ pages in English 43 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____
_____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

R/12

English version
Filed on 22 JUNE 84
نسخهٔ انگلیسی در تاریخ
ثبت شده است.

پرونده شماره ۷

شعبه دو

حکم شماره ۲ - ۷ - ۱۴۱

DUPLICATE ORIGINAL
«نسخه برابر اصل»

تیپتس ، ابت ، مک کارتی ، استراتن ،

خواهانها ،

- و -

شرکت مهندسین مشاور تامز- آفا ایران ،

دولت جمهوری اسلامی ایران ، سازمان هواپیمائی کشوری ،

سازمان برنامه وبودجه ، نیروی هوائی ایران ،

وزارت دفاع ، بانک ملی ، بانک ساختمان ، بانک

تجارتی ایران وهلند ،

خواندگان .

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
دادگاه داوری دعاوی ایران- ایالات متحده
FILED - ثبت شد
Date ۱۳۶۳/۴/۲۲ تاریخ
13 JUL 1984
No. 7 شماره

حکم

حاضران : ازطرف خواهانها : آقای جان ای . رودی، وکیل

آقای دانالد آر. پیرس

آقای جان ئی. بندیس

آقای جوزف ال. اسکارین ، نمایندگان خواهان

ازطرف خواندگان : آقای محمدکریم اشراق ،

نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران ،

آقای یحیی مدنی ، مشاورنماینده رابط

آقای اسماعیل بخشی ، سازمان برنامه‌وبودجه

آقای امامی ، وزارت دفاع

آقای محسن کاکاوند ، بانک تجارت

آقای مصطفی کلانتری ،

آقای ژیریر سیمونیان

آقای عباس خوشبین ،

آقای مهدی پوراشرف ، سازمان هواپیمائی کشوری

آقای سرژ انجیلیان ،

آقای علی اکبرزرسازان ، بانک مسکن

سایرحاضران : خانم جیمیسون ام.سلبی ، قائم‌مقام‌نماینده‌رابط ایالات متحده آمریکا

اول - ادعاها

خواهان ، تیپتس ، ابت ، مک کارتی ، استراتن ، (اختصارا " "تامز") یک شرکت مهندسی مشاور ومعمار ایالات متحده می باشد. تامز و عزیز فرمانفرمائیان وشرکاء (اختصارا " "آفا") که یک شرکت مهندسی ایرانی است ، یک شرکت ایرانی دیگر بنام تامز-آفا را با مالکیت مساوی وصرفا " بمنظور اجرای خدمات مهندسی ومعماری پروژه فرودگاه بین المللی تهران ("اختصارا " "فرودگاه بین المللی") تاسیس کردند. اجرای پروژه مذکور مبتنی برقراردادی بودکه درتاریخ ۱۹ مارس ۱۹۷۵ (۲۸ اسفندماه ۱۳۵۳) فیمابین تامز وآفا ازیکطرف وسازمان هواپیمائی کشوری (اختصارا " "هواپیمائی کشوری") ازطرف دیگرمنعقدگردید.

تامزچهارادعا دردیوان داوری طرح نموده است. اولا" ، تامز براساس قرارداد منعقد با هواپیمائی کشوری بابت سهم خود ازمبالغی که حسب ادعا تامز - آفا بموجب قرارداد مزبور طلبکار است وصورتحساب آنها صادرشده یا نشده ونیزبابت مبالغی که هواپیمائی کشوری بعنوان تضمین حسن انجام کار ازصورتحسابهای پرداختی به تامز - آفا کسرکرده ونگاهداشته ، علیه هواپیمائی کشوری ادعاهائی دارد. ثانیا" ، تامز بابت ارزش پنجاه درصدمنافع خوددرتامز-آفا که حسب ادعای وی ، توسط دولت ایران از وی سلب مالکیت شده ، علیه دولت ایران طرح ادعا نموده است. تامز اظهارمی دارد درصورتیکه دیوان رای دهدکه بدلیل قیدانتخاب مرجع رسیدگی ، ادعای اول علیه هواپیمائی کشوری ازصلاحیت دیوان خارج است ، درآنصورت باید حسابهای دریافتنی تامز - آفا ازهواپیمائی کشوری بموجب قراردادفرودگاه بین المللی نیز جزو ارزش تامز - آفا منظورشود. ثالثا" تامز وصول یک سپرده نقدی راکه حسب ادعا ، بانک ملی من غیرحق ضبط کرده ، درخواست می کند. وبالاخره ، تامز تقاضای ابطال ضمانتنامه های بانکی وتعهدات مربوط به پروژه فرودگاه بین المللی رادارد. تامز دربدو امر ادعای پنجمی نیزبابت اموال شخصی که حسب ادعا مالکیت آنها از وی سلب شده بودمطرح ولی بعدا " ادعای مزبور را مسترد نمود.

خواندگان به چند علت صلاحیت دیوان وهرگونه مسئولیت درمقابل ادعاها را انکار می کنند. هواپیمائی کشوری متقابلا" مدعی عدم کفایت ونقص اجرای قرارداد توسط تامز می باشد. خواندگان منکرسلب مالکیت ازتامز- آفا بوده وادعا می کنندکه ارزش آن درسال ۱۹۷۹ منفی بوده است. تامز - آفا ادعای متقابلی بابت سهم دیونی که حسب ادعا به اشخاص ثالث بدهکار است طرح نموده و بانک ساختمان وبانک تجارتی ایران وهلند ادعای متقابلی بابت کارمزد بانکی ضمانتنامه های صادره بدرخواست تامز - آفا مطرح کرده اند.

دوم - صلاحیت

۱ - کلیات

خواهان دیوان را متقاعدنموده که تبعه ایالات متحده می باشدو در کلیه اوقات ذیربط شرکتی مدنی (partnership) بوده که در ایالت نیویورک به ثبت رسیده وکلیه شرکاء آن اتباع ایالات متحده بوده اند. دیوان همچنین متقاعدشده است که کلیه خواندگان نامبرده ، باستثنای تامز - آفا مشمول تعریف "ایران" دربند ۳ ماده هفت بیانیه حل وفصل دعاوی واقع می شوند.

باتوجه به نظرات دیگردیوان درمورد موضوع صلاحیت که درزیرمندرج است دیوان ضروری نمی داندکه تعیین کندآیا تامز- آفا مشمول تعریف "ایران" دربند۳ ماده هفت بیانیه حل وفصل دعاوی بوده ویا آیا منافع مالکانه خواهان درتامز - آفا درموقع بروز ادعا برای اثبات کنترل تامز - آفا تکافو میکرده است یا خیر.

۲ - صلاحیت رسیدگی به ادعای مربوط به قرارداد فرودگاه بین المللی

دیوان داوری بموجب بند ۱ ماده دوبیانیه حل وفصل دعاوی صلاحیت رسیدگی به ادعای ناشی از یک قرارداد را دارد، مگرآنکه چنین ادعائی ناشی از "یک قرارداد الزام آور بین طرفین بوده ودرآن مشخصا" شرط شده باشدکه هراختلافی در موضوع قرارداد باید منحصرا" درصلاحیت انحصاری دادگاههای صالح ایران باشد...."

ماده ۱۹ قرارداد فرودگاه بین المللی چنین مقرر می‌دارد:

> کلیه اختلافاتی که ممکن است براثر اجرا یا تعبیروتفسیر مندرجات این قرارداد بین طرفین قرارداد رخ دهدونتوان آنها را ازطریق مذاکره ویا مکاتبه حل وفصل نمود درکمیسیونی مرکب ازبالاترین مقام دستگاه اجرائی (یا معاون او) و"مهندس مشاور" طرف قرارداد مطرح ودرصورتیکه نتوانند برمبنای قرارداد ومقررات مربوط اختلافات را حل کنند موضوع طبق قوانین ایران وازطریق مراجعه به دادگاههای صالحه ایران حل وفصل خواهدگردید.... (تاکید اضافه شد).

به موجب قید مشابهی درقرارداد بی.اچ.آر.سی. درقرار اعدادی شماره ۱۴۰ - ۵ دیوان عمومی (مورخ ۵ نوامبر ۱۹۸۲ برابربا ۱۴ آبانماه ۱۳۶۱) درپرونده تی سی اس بی اینکورپوریتدوایران، صلاحیت رسیدگی ازدیوان سلب شده است.(۱)

دیوان تفاوت بارزی بین قید موردبحث درپرونده حاضروقید مندرج درقرارداد بی اچ آر سی نمایابد. با اینکه خواهان استدلال می‌کندکه اختلافات "درباره" (over) قرارداد محدودتر ازاختلاف "ناشی از" (arising out of) قرارداد

---

(۱) قیدانتخاب مرجع رسیدگی درقراردادبی اچ آر سی مقرر می‌دارد:

> "کلیه دعاوی طرفین مربوط به این "پیمان فرعی" یا اختلافات ناشی از تعبیرواستنباط ازمفادآن که ازطریق مذاکرات یا مکاتبات دوستانه ومستقیم حل نشودابتداء به کمیته‌ای مرکب ازسه نفرنماینده، یکنفر ازطرف کارفرما" و"سازمان مسکن و "پیمانکارفرعی" ارجاع خواهد شد. درصورتیکه توافقی حاصل نشودیا یکی ازطرفین رای اکثریت کمیته را نپذیرد اختلاف ازطریق ارجاع آن به محاکم صلاحیت دار ایران وبرطبق قوانین ایران حل وفصل خواهدشد".

است ، معهذا دیوان مجاب نشده است که اختلاف مهمی بین آنها وجود دارد. بنابراین ادعا و ادعاهای متقابل مبتنی برقرارداد فرودگاه بین المللی بلحاظ فقدان صلاحیت رد می شوند.

۳ - صلاحیت رسیدگی به ضمانت نامه های بانکی وتعهدات مربوط

بند ۱ ماده دوبیانیه حل وفصل دعاوی قید می کند که دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعاهای "ناشی از قراردادها ... (شامل اعتبارات اسنادی یا ضمانتهای بانکی) ..." را دارد. بنابراین دیوان بعنوان یک موضوع مقدماتی صلاحیت رسیدگی به موضوع ادعای حاضر را دارد.

لکن ، ضمانت نامه های بانکی وتعهدات مربوطه مورد اختلاف در پرونده حاضر طبق تعهداتی که با قرارداد فرودگاه بین المللی ایجاد شده منعقد گردیده و ادعای دستور ابطال آنها فرع بر ادعای مبنی برقرارداد است، به این معنی که اساس خواسته موردتقاضا ، نقض آن قرارداد است ونه قراردادهای بین تامز- آفا وبانکها . بدلایل مندرج درقسمت اخیرالذکر، ادعاهای مبتنی برقرارداد فرودگاه بین المللی ازصلاحیت این دیوان خارج است . بنابراین ادعای تامز مبنی برابطال ضمانت نامه های بانکی وتعهدات مربوطه نیزبلحاظ فقدان صلاحیت ردمی شود.

ازآنجا که ادعای علیه بانکها ازصلاحیت دیوان خارج است و از آنجا که تامز- آفا ونه خواهان درمورد آن ضمانت نامه ها طرف قرارداد بانکها بوده ،ادعاهای متقابل مربوط به کارمزد ضمانت نامه ها نیزباید بلحاظ فقدان صلاحیت مردود شناخته شوند.

۴ - صلاحیت رسیدگی به ادعای مربوط به منافع مالکانه درتامز - آفا

تامز همچنین ادعائی متبنی برگرفتن (taking) ادعائی منافع مالکانه‌اش درتامز - آفا به‌ثبت رسانیده‌است . موضوع چنین ادعائی (یعنی "سلب مالکیت یا سایر اقدامات موثربرحقوق مالکیت ...") آشکارا درصلاحیت دیوان است .

بنابراین دیوان صلاحیت رسیدگی به‌ادعای تامز ، بابت منافع‌مالکانه‌اش درتامز- آفا را دارد.

۵ - صلاحیت رسیدگی به‌ادعای مربوط به‌سپرده‌بانکی

وبالاخره تامز ادعای وصول مبلغ ۲۴،۶۰۱ دلار که معادل ریالی سپرده خود دربانک ملی دراکتبر۱۹۷۹ بود را دارد. بانک ملی اظهارداشته است‌که تامز درحال حاضرسپرده‌ای بمبلغ ۱،۷۳۶،۸۴۰ ریال دارد ولکن ، همانطورکه خواهان نیزاذعان دارد، تامز قبل از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱(۲۹ دیماه ۱۳۵۹) این وجوه را مطالبه‌نکرده‌است . نظربه‌اینکه سپرده‌مطالبه‌نشده ، طبق الزام بند۱ ماده دو بیانیه‌حل وفصل دعاوی درمورد صلاحیت ، درتاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱(۲۹ دیماه ۱۳۵۹) ادعائی پابرجا نبوده‌است . رجوع شودبه‌هارزا انجینیرینگ کامپنی و جمهوری اسلامی ایران حکم شماره ۲ - ۹۸ - ۱۹(۳۰ دسامبر۱۹۸۲ / ۹ دیماه ۱۳۶۱) .

بنابراین دیوان ادعای تامز بابت سپرده‌بانکی رابلحاظ فقدان صلاحیت ردمی کند.

۶ - صلاحیت رسیدگی به ادعاهای متقابل تامز - آفا

خوانده تامز- آفا مدعی است‌که ارزش‌آن منفی بوده ومتقابلا" بابت

پرداخت سهم‌خواهان ازدیونی‌که حسب ادعا تامز- آفا به اشخاص ثالث بدهکار است ، طرح ادعای متقابل‌می‌کند .دیوان با توجه نظرات خوددرباره ماهیت ادعاکه ذیلا" درج می شود ، لازم نمی داندکه درپرونده‌حاضرتعیین کندکه آیا صلاحیت رسیدگی به چنین ادعای متقابلی را داردیا خیر. معهذا تاحدودی که منظور تامز- آفا طرح ادعای متقابل بابت مالیاتها وحق بیمه‌های اجتماعی است که حسب ادعا تامزبطور جداگانه به مقامات ایرانی بدهکار است ، تامز-آفا خوداهلیت طرح چنین ادعای متقابلی رانداشته وبنابراین ضرورتی ندارد تصمیم‌گرفته شودکه درپرونده حاضرچنین ادعائی مشمول صلاحیت دیوان می شودیا خیر.

سوم - ماهیت

۱ - ادعای محرومیت ازاموال

شرکت مدنی تامز- آفا با مشارکت پنجاه پنجاه درماه اوت ۱۹۷۵ (تیر ۱۳۵۴) تشکیل‌گردیده .هریک ازدوشریک سهمی مساوی‌ازدارائی۱،۰۰۰،۰۰۰ ریالی شرکت‌رادراختیارداشتندوتامز- آفا زیرنظریک کمیته هماهنگی چهارنفری اداره‌می شدکه هرشریک دوعضو کمیته راانتخاب می کرد. ماده ۶ شرکتنامه‌مقررمی کرد که هرتصمیمی توسط تامز- آفا مستلزم رضایت حداقل یک عضو منصوب تامز وحداقل یک عضومنصوب آفا باشد.اختیار امضای اسنادی که ایجادتعهداتی برای تامز- آفا می نمود نیزبه دو شخص تفویض شده‌بود که هریک رایکی ازدوشریک منصوب می کرد. مدارک موجودحاکی از آنست که تاسال ۱۹۷۸ تامز- آفا براساس اصل مقررکنترل مشترک عمل می کرد.

درنتیجه‌انقلاب ایران ، کارپروژه فرودگاه بین المللی دردسامبر ۱۹۷۸ وژانویه ۱۹۷۹ (دی - بهمن ۱۳۵۷) تقریبا " بطورکامل متوقف گردید.

قبل ازآنکه مذاکرات قابل توجه دیگری بین تامز- آفا وهواپیمائی کشوری درمورد آینده پروژه فرودگاه بین المللی صورت گیرد، سازمان برنامه وبودجه دولت ایران درتاریخ ۲۴ ژوئیه ۱۹۷۹ (دوم مرداد ۱۳۵۸) یک مدیرموقت جهت آفا منصوب نمود. خانواده فرمانفرمائیان یکی از ۵۱ نفر یا خانواده‌ای بودکه موسسات بازرگانی آنها طبق بند ۱۵ قانون حفاظت وتوسعه صنایع ایران زیرنظرمدیران دولتی قرارگرفت. هرچند دراین انتصاب فقط ازآفا نام برده‌شده ولی ظاهرا" ازنظراینکه آیا مدیرعامل جدیدتنها مدیرعامل آفا یا مدیرعامل تامز- آفا نیزبوده تا اندازه‌ای ابهام وجوددارد. درروزنامه رسمی کشورانتصاب مورخ ۱۱ اوت ۱۹۷۹ (۲۰ مردادماه ۱۳۵۸) بعنوان مدیرعامل تامز- آفا چاپ شده وبه مدیرعامل جدیداختیارداده‌شدکه شخصا" چکهای مربوط به‌حسابهای تامز - آفا راامضاء وتصمیمات مربوط به‌استخدام وغیره را بدون مشورت باتامز اتخاذنماید.

درطول ماههای اوت تاپایان نوامبر ۱۹۷۹ نمایندگان تامزدر ایران توانستندحداقل قدری ازاین تخلفات ازموافقتنامه مشارکت را اصلاح کنند. برای نمونه نمایندگان توانستند روش دوامضائی بودن چکها را اجراء وهمکاری مدیرعامل منصوب دولت رادراقدام به وصول مبلغ ۳۴ میلیون ریال مطالبات خودازتامز- آفا کسب واجازه‌تبدیل آن مبلغ رابه دلار جهت صدور به‌ایالات متحده جلب کنند. این اقدامات نهایتا" به‌نتیجه‌رسید. معهذا،بحران روابط بین ایالات متحده وایران که درنوامبر ۱۹۷۹ بوجودآمداین روندرا معکوس نمود. آخرین نماینده‌تامز درایران که حق امضاء داشت ظاهرا" در دسامبر ۱۹۷۹ ایران را ترک کرد. تامز درچندین موقعیت در ژانویه‌وفوریه ۱۹۸۰ نامه‌ها وتلکسهائی درمورد ارائه کارپروژه فرودگاه بین المللی ارسال داشت ولی پاسخی دریافت نکرد. تامز- آفا کلیه‌مکاتبات با تامز رابعدازدسامبر ۱۹۷۹ قطع کرده نه درمورد وضع پروژه فرودگاه بین المللی وامورمالی تامز آفا، گزارش‌دادونه به‌نامه‌ها یا تلکسهای آن پاسخ‌گفت. ازمدافعاتی که

آفا درپرونده حاضر به ثبت رسانیده آشکار است که تامز- آفا به فعالیت خود ادامه می دهد، هرچندبدون شک تعداد کارمندان وهزینه های آن تقلیل یافته ومدیران عاملی که جانشین مدیرعامل اصلی منصوب دولت بوده اند، آنرا اداره می کنند.

باتوجه به این واقعیات، دیوان نتیجه می گیرد که خواهان با محرومیت از منافع مالکانه خوددر تامز- آفا حداقل از اول مارس ۱۹۸۰ (۱۰ اسفندماه ۱۳۵۸) مشمول "اقدامات موثربرحقوق مالکیت" واقع و دولت ایران بواسطه اعمال وترک فعل خودمسئول این محرومیت می باشد. خواهان بموجب حقوق بین الملل واصول کلی حقوقی، استحقاق دریافت غرامت معادل ارزش کامل مالی که ازآن محروم شده است را دارد.(۲) دیوان ترجیح می دهد اصطلاح "محرومیت" (deprivation) را بجای "گرفته شدن" (taking) بکاربرد - هرچندکه این دو اصطلاح تاحدودزیادی مترادف هستند- زیرا که مفهوم ضمنی اصطلاح اخیراینست که دولت چیزبا ارزشی را بدست آورده است حال آنکه ورودبه چنین بحثی ضرورت ندارد.

محروم کردن ازاموال یاگرفتن آن میتواندطبق حقوق بین الملل ازطریق مداخله دولت دراستفاده ازمال یا بهره مندشدن ازمزایای آن صورت گیرد، حتی وقتی که این عمل، تاثیری درمالکیت قانونی آن مال نداشته باشد.(۳)

---

(۲) رجوع شودبه دعوای کارخانه کورزو Chorzów Factory Case (ماهیت) (آلمان علیه لهستان) ۱۹۲۸ دیوان دائمی دادگستری بین المللی، سری الف شماره ۱۷ صفحه ۴۷ (رای ۱۳ سپتامبر)، ادعاهای کشتی داران نروژی Norwegian Shipowners' Claims (نروژعلیه ایالات متحده) شماره، ۱ گزارشهای سازمان ملل درباره احکام داوری بین المللی ۳۰۷ (۱۹۲۲). طرفین درپرونده حاضردرباره موضوع ذیربط بودن مفادبند ۲ ماده چهارعهدنامه مودت مورخ ۲۵ اوت ۱۹۵۵ بین ایران وآمریکا درباره حمایت ازسرمایه گذاری بحث نکرده اند.

(۳) رجوع شودبه :

See 8 Whiteman, Digest of International Law 1006-20; Christie, What Constitutes a Taking Under International Law? 38 Brit. Y.B. Int'l. Law 307 (1962); and the Lena Goldfield's Case reprinted in Nussbaum, The Arbitration Between the Lena Goldfield's, Ltd. and the Soviet Government, 36 Cornell L.Q. 31 (1950).

درحالیکه بدست گرفتن کنترل اموال توسط دولت خودبخودبلافاصله این نتیجه‌گیری راکه‌دولت آن اموال راضبط کرده، وبنابراین طبق حقوق بین الملل مستلزم پرداخت غرامت است، توجیه نمی کند، معهذا هرگاه رویدادها نشان دهدکه مالک ازحقوق اساسی مالکیت محروم شده وظاهرا" محرومیت امری صرفا" گذرا نبوده، این چنین نتیجه‌گیری قابل توجیه است. قصددولت اهمیت کمتری از آثار اقدامات دولت برصاحب مال داشته وشکل‌کنترل یادخل وتصرف ازواقعیت اثرآن کنترل ومداخله حائز اهمیت کمتری می باشد.

درپرونده‌حاضر، خواهان ومدیرعامل منصوب دولت درتامز- آفا دراواسط سال ۱۹۷۹ توانستندبایکدیگرهمکاری کافی داشته‌باشند بطوریکه‌انتصاب فی نفسه درمورد حاضرنمی تواندا قدامی محسوب شودکه‌خواهان راازاموال خودمحروم نموده‌باشد. لکن، تحول اوضاع دراواخرسال ۱۹۷۹ واوایل ۱۹۸۰ وبویژه بلاجواب گذاردن مطلق نامه‌ها وتلکس‌ها وفقدهرگونه مراسله‌ای ازجانب تامز- آفا باخواهان، بطورموثربه‌همکاری مذکورخاتمه‌داد وخواهان راازمنافع مالکانه‌خود درتامز- آفا محروم نمود. اگرتردیدی درباره‌این مسئله‌دراوایل ۱۹۸۰ وجودداشت نیزباعدم بهبود اوضاع وگذشت زمان، رفع شده‌است.

۲ - ارزش تامز - آفا

خواهان پرونده‌حاضرفقط ارزش منافع خوددر تامز- آفا رابعدازتصفیه‌آن، یعنی ارزش تامز- آفا بعدازوصول کلیه‌دارائیها وایفای کلیه‌تعهدات مطالبه‌می کند. بنابراین وظیفه‌دیوان اینست که ازدارائیها وتعهدات تامز- آفا دراول مارس ۱۹۸۰ (۱۰ اسفندماه ۱۳۵۸) دقیق ترین برآورد ممکن رابدست دهد. اینکارتنها متضمن ارزشگذاری حسابهای بانکی و دارائیهای ثابت نبوده‌بلکه‌مستلزم ارزشگذاری حسابهای دریافتنی‌تامز- آفا ازجمله حسابهای مشمول قرارداد فرودگاه بین المللی و نیز

دیون تامز - آفا ازجمله دیون مالیاتی وبیمه‌های اجتماعی وتعهدات بالقوه مانندتعهداتی که‌درادعای متقابل بموجب قراردادفرودگاه بین المللی درپرونده‌حاضراقامه شده‌ودیونی که‌احتمالا" از ضمانت‌نامه‌های بانکی ناشی شود نیزمی‌باشد.(۴)

ازنحوه عمل طرفین قرارداد،روشن است که‌حسابهای دریافتنی متعلق به تامز- آفا بوده وبه‌فرد فرد شرکاء تعلق ندارد. تامز- آفا صورتحسابها رابه‌هواپیمائی کشوری تسلیم می نمودوهواپیمائی کشوری وجوه صورتحسابهارابه‌تامز- آفا می پرداخت. تقسیم عوایدبین شرکاء هرچندیکبار، براساس تصمیمات تامز- آفا صورت می گرفت. دیوان متذکرمی شودکه خواندگان در مدافعات خوداستدلال کرده‌اندکه تنها تامز- آفا میتواند بموجب قراردادفرودگاه‌بین المللی طرح دعوی‌نماید ونه تامز. بند(۳) ماده۲۰ قراردادفرودگاه بین المللی تاسیس یک واحدمستقل وپرداخت‌حق الزحمه‌قرارداد به آن واحد رامجاز می داشت.(۵) هرچندآن ماده روشن می کردکه تامز وآفا بموجب‌آن ماده نمی‌توانستند تعهدات خودرابموجب قراردادازخودسلب کنندولی آنچه که‌رویه بعدی تائیدمی کنداینست که‌واحدجدید، ونه دوشریک، حق‌داشته، بموجب قرارداد ازهواپیمائی کشوری وجهی دریافت کند.

دیوان داوری تصدیق می کندکه دقت درتعیین ارزش‌حسابهای دریافتنی بموجب قراردادفرودگاه بین المللی وتعهدات مربوط، درغیاب فیصله قطعی وقاطع اختلافات فیمابین هواپیمائی کشوری وتامز- آفاکه امری است خارج ازصلاحیت دیوان، کاردشواری است. درمورد تعیین دیون

---

(۴) درحالیکه‌بایدبدهی های مالیاتی وحق بیمه‌های اجتماعی تامز- آفا برای ارزشگذاری آن برآوردشود، بدهی جداگانه‌ای که‌تامزحسب ادعا بابت مالیات وبیمه‌های اجتماعی دارد،البته به‌ارزش تامز- آفا ارتباطی ندارد.

(۵) بند ۳ ماده ۲۰ مقررمیدارد:

"مهندس مشاور" میتواندجهت انجام خدمات موضوع این قراردادموسسه مستقلی طبق قوانین ایران تشکیل وبه‌ثبت برساند. انجام خدمات موضوع این قرارداد توسط موسسه مذکورانتقال قراردادتلقی نخواهدشدومسئولیت "مهندس مشاور" و تعهدات وی بترتیب مندرج دراین قراردادوضمائم کماکان بقوت خودباقی خواهدماند. "مهندس مشاور" میتواندکتبا" از"کارفرما "درخواست کندکه مبالغ حق‌الزحمه‌رادروجه‌این موسسه پرداخت کند.

تا مز ـ آفا به اشخاص ثالث نیزدشواریهای مشابهی وجوددارد. این نکته بایدبه روشنی درک شودکه این حکم درمورد حقوق وتعهدات طرفین قرارداد فرودگاه بین المللی یا تعهدات دیگری که تا مزـ آفا به مقامات مالیاتی وبیمه های اجتماعی ایران یااشخاص ثالث دارد قضاوت نمی‌کند.(۶)

بدینترتیب، دیوان درتعیین دقیق ترین برآورد از ارزش خالص تا مز ـ آفا راجع به مسائلی که خارج ازصلاحیتش می باشدتصمیم نمی‌گیرد. نادیده گرفتن کامل دارائیهائی مانند حسابهای دریافتنی بموجب قرارداد فرودگاه بین المللی ودیونی مانندمالیات وحق بیمه های اجتماعی، با اینکه قضاوت درباره اختلافات مربوط به آن دارائیها ودیون ازحیطه صلاحیت دیوان خارج است، منصفانه ومنطقا" قابل دفاع نیست.

دیوان دراین رابطه متذکرمی گرددکه اگرهواپیمائی کشوری صورتحسابهای تسلیمی تا مزـ آفا راپرداخت کرده بودواین وجوه، قسمتی ازحسابهای توزیع نشده تا مزـ آفا می بود، درآنصورت مسلما" جزئی ازارزش تا مزـ آفابعدازتصفیه آن، محسوب میشد. بهمین نحو، اگرتا مزـ آفا کلیه مالیاتها وتعهدات بیمه های اجتماعی خودراپرداخت کرده بود آن پرداختها ارزش بعدازتصفیه تا مزـ آفا راکاهش می داد. اگرپرداختهای مربوط به کار درپروژه فرودگاه بین المللی من غیرحق توسط یک سازمان دولت جمهوری اسلامی ایران ضبط شده باشدودیوان نیزآن وجوه رابه دلیل عدم پرداخت، درارزش بعدازتصفیه تا مزـ آفا منظورنکند، درآنصورت موسسه خوانده، ازعمل خلاف خود منتفع می شود. وبالعکس اگر تا مزـ آفا من غیرحق مالیات وتعهدات بیمه های اجتماعی را نپرداخته ودیوان این تعهدات راکسرنکند، درآنصورت نامبرده ازعمل خلاف خودسود می برد. این اصل دربسیاری نظامهای حقوقی داخلی وحقوق بین الملل، کاملا" پذیرفته شده است که هیچکس نباید مجازباشدکه ازعمل خلاف خودتحصیل

(۶) ازآنجاکه ادعاهای متقابل بابت مالیات وحق بیمه های اجتماعی ومطالباتی که بابت کارانجام شده درپروژه فرودگاه بین المللی، مستقیما" قابل طرح دراین دیوان، نمی باشد، رسیدگی عرضی دیوان به آن مسائل، اعتبارامرمختومه پیدا نمی‌کند. رجوع شودبه: See K. Carlston, The Process of International Arbitration 88 (1946).

سودکنند.(۷) Nullus Commodum Capere De Sua Injuria Propria.

ازطرف دیگربرای دیوان بهمان اندازه غیرمنصفانه ومنطقا " غیرقابل دفاع است که فرض کند کلیه پرداختهای مربوط به پروژه فرودگاه بین المللی که حسب اظهارخواهان ، من غیرحق نگاهداشته شده ،واقعا " نیزمن غیرحق نگاهداشته شده باشدویافرض کندکه کلیه مالیاتها وتعهدات بیمه های اجتماعی که حسب ادعای خوانده برعهده تامز- آفا می باشد، واقعا " برعهده وی بوده وپرداخت نشده باشد. همانطورکه دربالا عنوان گردید، قضاوت درباره اختلافات مربوط به دارائیها ودیون نامبرده خارج ازصلاحیت دیوان است واین اختلافات درزمانی که خواهان ازمنافع مالکانه خوددرتامز - آفا محروم گردیدهنوز وجودنداشت . ازاظهارات ومدارک تسلیمی طرفین به دیوان به نظرمی رسدکه ازیکطرف پاره ای ازاوضاع و احوال مربوط به واقعیات ، حتی امروز هم مورداختلاف نبوده و از طرف دیگر فقط بخشی ازاختلافاتی که واقعا " وجوددارد با مدارک تسلیمی تائیدمی شود ونیزاینکه، برسرواقعیات مرتبط با این اختلافات ازنظر حقوقی استنباطات معارضی ملاحظه می شود. دیوان درچنین شرایطی تنها می تواندیک ارزشگذاری بسیارتقریبی ازدارائیها وتعهدات مربوط بدست دهدودراین ارزشگذاری بایدنامعلوم بودن نتیجه هرقضاوت قطعی درباره اختلافات توسط یک دادگاه صالح نیزمدنظرقرارگیرد.

وبالاخره اینکه ، دیوان متذکرمی شودکه مدارک موجودحاکی ازآنندکه دین تامز- آفا به آفا تقریبا "۴۷ میلیون ریال بیشترازدینی است که بابت بازپرداخت هزینه ها به تامزداشته است واین مبلغ باید قبل از تعیین ارزش بعدازتصفیه ، کسرشود.

---

(۷) رجوع شود بطورکلی به :

B. Cheng, General Principles of Law as Applied by International Courts and Tribunals 149(1953).

دیوان داوری براساس ملاحظات پیش گفته ارزش بعد از تصفیه تامز- آفا در اول مارس ۱۹۸۰ (۱۰ اسفندماه ۱۳۵۸) را ۸۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال تعیین نموده و بنابراین خواهان حق دارد بابت پنجاه درصد منافع خود در تامز- آفا مبلغ ۴۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال دریافت نماید.

بدلایل فوق ، خوانده ، دولت جمهوری اسلامی ایران ملزم است که به خواهان غرامتی به مبلغ ۵،۵۹۴،۴۰۵ دلار آمریکا که معادل ۴۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال در اول مارس ۱۹۸۰ (۱۰ اسفندماه ۱۳۵۸) بوده پرداخت نماید.

۴ - بهره

برای جبران خسارت متحمله توسط خواهان بابت تاخیر در تادیه دیوان منصفانه می داند که حکم به پرداخت بهره‌ای به نرخ ۱۲ درصد از اول مارس ۱۹۸۰ (۱۰ اسفندماه ۱۳۵۸) صادر کند.

۵ - هزینه‌ها

هریک از طرفین هزینه‌های داوری خود را تقبل خواهد کرد.

حکم

دیوان داوری بشرح زیر حکم صادر می نماید:

خوانده ، دولت جمهوری اسلامی ایران ملزم است به خواهان تیپتس ، ابت ، مک کارتی ، استراتن مبلغ ۵،۵۹۴،۴۰۵ دلار آمریکا بعلاوه بهره‌ای به نرخ ۱۲ درصد در سال از اول مارس ۱۹۸۰ (۱۰ اسفندماه ۱۳۵۸) تا تاریخ صدور دستور پرداخت توسط کارگزار امانی به بانک امین ، از حساب تضمینی پرداخت نماید. تعهد مذکور

با پرداخت از محل حساب تضمینی مفتوحه بموجب بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دمکراتیک و مردمی الجزایر ایفاء خواهد شد.

ادعاهای متقابل تامز- آفا ، درماهیت ردمی شود، مگر تا حدودی که ادعاهای متقابل شامل مالیاتهائی باشد که حسب ادعاخواهان به مقامات مالیاتی ایران بدهکار است و این ادعای متقابل نیز به علت عدم اهلیت تامز- آفا در طرح این دعوی مردود شناخته می شود. مابقی ادعاها و ادعاهای متقابل بعلت فقدان صلاحیت دیوان ردمی شوند.

هریک از طرفین ملزم به پرداخت هزینه های داوری خود می باشد.

بدینوسیله حکم حاضر، جهت ابلاغ به کارگزار امانی به ریاست دیوان تسلیم می گردد.

لاهه، به تاریخ ۲۲ ژوئن ۱۹۸۴ برابر با ۱ تیرماه ۱۳۶۳

ویلم ریپهاخن
رئیس شعبه دو

بنام خدا

جرج . اچ . آلدریچ

شفیع شفیعی

م.ف./ک.ف.

آقای شفیعی دراستماع وشور این پرونده شرکت کرده اما باآنکه برای امضاء حکم ازایشان دعوت شد، ازامضاء امتناع کردند.

ویلم ریپهاخن

جرج اچ.آلدریچ

دلائل عدم امضای دکتر شفیع شفیعی

درتاریخ ۱۹ مارس ۱۹۷۵ یک قرارداد خدمات مشاوره‌ای برای ایجاد فرودگاه بین المللی تهران بین سازمان هواپیمائی کشوری ایران (خوانده پرونده حاضر) ازیک طرف وتامز (خواهان آمریکایی پرونده حاضر) و موسسه فرمانفرمائیان (یک موسسه ایرانی) از طرف دیگر منعقد میشود. قرارداد همانگونه که مقتضای طبیعت قراردادهای خدمات مشاوره‌ای مهندسی است، قابل انتقال نیست وخدمات فنی موضوع قرارداد مستقیما" وسیله تامز و موسسه فرمانفرمائیان بخشی درایران وبخشی درآمریکا انجام می شود. چندماه پس از امضاء قرارداد، تامز و موسسه

فرمانفرمائیان یک شرکت غیرانتفاعی وغیربازرگانی یا درواقع دفتر مشترکی در تهران بنام موسسه تامز- آفا تشکیل میدهند . نقش این موسسه ، تامز- آفا ، فقط یک نقش ساده ارتباطی وحداکثر هماهنگی وانجام کارهای مشترک بوده است .

پس از تشکیل این دادگاه ، خواهان در دادخواستی که درتاریخ ۲۰ اکتبر ۱۹۸۱ ثبت شده است ، چند دعوی برعلیه دولت جمهوری اسلامی ایران وچند بانک وسازمان مختلف دولتی ایران ثبت نموده است . شرح تمامی دعاوی خواهان ضرورتی ندارد ، آنچه که بیان آن مرتبط است واهمیت دارد دو دعوی آینده است .

الف) نخستین دعوای خواهان یک دعوای قراردادی است یعنی دعوایی است که از قرارداد فوق الذکر ناشی میشود . دراین زمینه خواهان مدعی است که پاره‌ای از صورتحسابهای ارسالی وی بابت خدماتی که انجام داده است پرداخت نشده‌اند و نیز خدماتی انجام داده که تاکنون صورتحساب آنها فرستاده نشده است . براین اساس خواهان جمعا " مبلغ ۸،۸۸۵،۵۸۹ دلار مطالبه نموده است .

ب) دعوای دیگر تامز از مصادره ادعائی شرکت تامز- آفا ناشی میشود . تامز- آفا فعالیت بازرگانی نداشته ولی درهرصورت برای اداره امور روزمره خویش ضرورتا " موجودی هائی دربانک ها داشته است . خواهان ادعانموده که این شرکت وسیله جمهوری اسلامی ایران مصادره شده است . خواهان همچنین شخصا " موجودی های شرکت تامز- آفا راارزیابی وسهم خود را مبلغ ۵۱۴،۵۳۶ دلار تعیین نموده است .

بموجب مقررات صریح ماده ۱۹ قرارداد فوق ، تفسیر این قرارداد وتمامی اختلافات ناشی از آن درصلاحیت انحصاری دادگاههای ایران قراردارد . قانون حاکم برقرارداد قانون ایران وزبان حاکم نیز زبان فارسی است (مواد ۲۴ و ۲۵ قرارداد) . دربرابر صراحت این مواد وهمچنین بموجب قید شرط صلاحیت دادگاههای ایران مندرج درذیل بند اول ماده ۲ بیانیه حل وفصل دعاوی ، اکثریت اجبارا " عدم‌صلاحیت این دادگاه داوری رابرای رسیدگی به قرارداد مورد بحث ودعاوی ناشی از آن پذیرفته است ، اما در واقع این مقررات را با یک دست پذیرفته اما بادست دیگر درمقام نقض آنها برآمده است . بعدا " اکثریت فرض نموده که تامز- آفا مصادره

شده و سپس دعوی ومطالبات ادعائی خواهان راکه از قرارداد فوق ناشی میشود بطور کاملا" مجرد وجدا از دفاع ودعوی متقابل سازمان هواپیمائی کشوری جزو دارائی های شرکت تامز- آفا تلقی نموده ، واز مجموع مطالبات ادعائی خواهان که ۸،۸۸۹،۵۸۹ دلار است مبلغ ۵،۵۹۴،۴۰۵ دلار بعلاوه بهره بنفع خواهان حکم‌داده واز رسیدگی به‌دفاع ودعوی متقابل سازمان هواپیمائی کشوری بعلت عدم صلاحیت خودداری نموده‌است .

رای اکثریت حاوی واقعیات پرونده ومواضع طرفین ، بطوریکه حقایق امررا بنحو صحیحی منعکس‌کند نیست وهیچ اشاره‌ای به اعتراضات خواندگان نسبت به صلاحیت دادگاه ودفاع ماهوی آنان دربرابر دعاوی مختلف خواهان‌واستدلال آنان درباره دعوی متقابل نمی نماید. مواضع ودلائل اکثریت‌نیزکاملا"گنگ‌ومبهم‌است . بطور کلی دادنامه متضمن هیچ پاسخ واستدلالی درباره مسائل متعدد حقوقی دعوای حاضرنیست وخواننده نمی تواند از واقعیت موضوع ودلائل تصمیم اکثریت آگاه شود. اکثریت نخستین بند دادنامه را باتشکیل شرکت تامز- آفا شروع میکند درحالیکه این مطلب جزو نخستین مطالب وواقعیات این پرونده نیست . واقعیات دیگری مقدم برتشکیل این شرکت وجود دارند که شرح وبسط آنها ضرورت داشته‌است و مضافا" اینکه اصولا" شرکت تامز- آفا به نحوی که اکثریت وصف نموده ومصادره آنرا فرض‌کرده‌است باواقعیت خارجی آن تفاوت کامل دارد. آنچه که اکثریت ازشرکت تامز- آفا ساخته‌است یک داستان فرضی وکاملا" موهوم است . حتی اگربه فرض محال قبول کنیم که شرکت تامز- آفا مصادره‌شده‌باشد، ابتداء" می باید تعیین نمود که عناصر تشکیل دهنده دارائی‌این شرکت چه بوده‌است . مخصوصا" این پرسش پیش می آید که آیا مطالبات ادعائی قرارداد مشاوره‌ای خواهان باید جزو دارائی‌شرکت تامز- آفا قرارگیرد؟ این امر مسائل حقوقی متعددی را مطرح میکند. ماهیت‌حقوقی تامز- آفا ونقش‌وی باتوجه به مقررات مربوطه قرارداد میبایست مورد تجزیه وتحلیل قرارگیرد، من جمله بخشی از مطالبات ادعائی تامز، همانطورکه قبلا" ذکرشد، مربوط به خدماتی است‌که حسب‌ادعا انجام‌شده ولی تاکنون صورتحساب‌آنها برای پرداخت به‌سازمان

هواپیمائی کشوری ارائه نشده است . آیا اساسا" صرفنظر از تمامی مراتب ، چنین دعوائی یک دعوای موجود بمعنای بند اول ماده ۲ بیانیه حل وفصل بوده و قابل رسیدگی دراین دادگاه میباشد؟ اما اکثریت ازکنار تمام این حقایق قضائی باسکوت وابهام گذشته وحتی ازخواسته خود خواهان هم بسیار فراتررفته است . مساله دیگری نیز پیش می آید که بیان آن کمال اهمیت رادارد. سازمان هواپیمائی کشوری ایران دعوی ومطالبات قراردادی تامز را مورد انکارقرارداده و اعلام نموده که دستمزدهای تامز را معادل درصد انجام کارها پرداخت نموده و بدهی دیگری به تامز ندارد. وبعلاوه دعوی متقابلی هم طرح نموده است اما چون اکثریت حسب اقرارخود صلاحیت رسیدگی به قرارداد رانداشته ، این مدافعات و دفاع متقابل رانادیده انگاشته وفقط دعوی ومطالبات ادعائی خواهان رابطور مجرد موردنظر قرارداده وجزو دارائی های مسلم شرکت تامز- آفا محسوب نموده است .

درمیان همه این ابهامات واشکالات ، خواننده به صفحه ۱۵ رای می رسد که برخلاف صفحات تاریک ومبهم قبلی کاملا" روشن ومشخص بوده وبیانگر نیت قاطع و تصمیم اکثریت به انتقال مبلغ ۵،۵۹۴،۴۰۵ دلار باضافه بهره به نرخ صدی دوازده وازتاریخ اول مارس ۱۹۸۰ ازحساب امانی دولت جمهوری اسلامی ایران در آمستردام بحساب فدرال رزرو نیویورک جهت حواله به خواهان آمریکایی است . دراین زمینه دیگر هیچ ابهامی وجود ندارد. بیان این موضوع هم ضروری است که ارزیابی مطالبات قراردادی خواهان کاملا" خودسرانه انجام پذیرفته است . من به شرح بیشتری ازواقعیات ودعوی قراردادی ودعوی مصادره خواهان پرداخته و واقعیات ونکات حقوقی آنرا مورد تجزیه وتحلیل قرارخواهم داد. این بررسی با اشاره مختصری به قرارداد خدمات مشاوره‌ای که مستند نخستین دعوی خواهان است وعدم صلاحیت دادگاه داوری برای رسیدگی به قرارداد مورد بحث ودعاوی ناشی از آن آغازخواهد شد (I) ومطالعه دعوی مصادره شرکت تامز- آفا درپی خواهدآمد. دراین قسمت توصیف کوتاهی ازشرکت تامز- آفا ، تشکیل وهدف آن ومصادره‌ادعائی آن ضرورت دارد. بویژه ماهیت حقوقی این شرکت ونقش آن باید تعیین شود (II).

شناخت مختصری ازمکانیسم دستمزد مهندسان مشاور ودفاع سازمان هواپیمایی کشوری دراین زمینه لازم می باشد واین موضوع بند سوم راتشکیل خواهد داد. این بررسی نشان خواهد دادکه برداشتی که دراین پرونده وسیله اکثریت ازحساب امانی دولت جمهوری اسلامی ایران بنفع خواهان آمریکایی انجام میگیرد برداشتی غیرقانونی وغیرمشروع است.

I

شرح تمامی دعاوی خواهان لزومی ندارد فقط به بیان دودعوای آن که بدینجا مربوط است می پردازیم.

۱) اولین ودرواقع مهمترین دعوی خواهان دعوائی است که ازقرارداد خدمات مشاوره‌ای ۱۹ مارس ۱۹۷۵ ناشی میشود. موضوع این قرارداد تهیه نقشه‌ها وطرح های فنی وارائه خدمات مشاوره‌ای وعملیات اجرائی برای احداث فرودگاه جدید تهران بوده‌است. بموجب بند دوم ازماده اول قرارداد، مهندسان مشاور عبارتند از تامز وعبدالعزیز فرمانفرمائیان وشرکاء که متضامنا" مسئول اجرای کلیه تعهدات موضوع این قرارداد می باشند.

بموجب بند اول ماده ۲۰ قرارداد:

"ماده بیستم - حق واگذاری

۱ - "مهندس مشاور" خدمات موضوع این قرارداد راتوسط کارکنان انجام میدهد ولی حق ندارد بدون تصویب "کارفرما" تمام یاقسمتی ازخدمات موضوع این قرارداد رابه شخص یا اشخاص ویاشخصیتهای حقوقی دیگر ویاکارکنان خودواگذارکند."

مقررات فوق درواقع جزتاکید یک امر ساده ومنطقی بیش نیستند. درقرارداد خدمات مشاوره‌ای شخصیت وتوانائی علمی مهندسان مشاور کاملا" اهمیت داشته‌واز عناصر اساسی قرارداد محسوب میشود. بنابراین، این قراردادها قابل انتقال نیستند. ماده ۱۹ قرارداد طریق حل وفصل دعاوی راپیش بینی می نماید:

"ماده نوزدهم - حل اختلاف

کلیه اختلافاتی که ممکن است براثراجرا یا تعبیر وتفسیر مندرجات این قرارداد بین طرفین قرارداد رخ دهد ونتوان آنها را ازطریق مذاکره ویا مکاتبه حل وفصل نمود در کمیسیونی مرکب ازبالاترین مقام دستگاه اجرائی (یا معاون او) و "مهندس مشاور" طرف قرارداد مطرح ودرصورتیکه نتوانند برمبنای قرارداد ومقررات مربوط اختلافات را حل کنند موضوع طبق قوانین ایران واز طریق مراجعه به دادگاههای صالحه ایران حل وفصل خواهد گردید. رسیدگی به اختلافات درهیچ مورد سبب تعطیل درخدمات مربوط به "پروژه" نخواهدبود وبدین لحاظ "مهندس مشاور" ملزم است که تا حل اختلافات کلیه عملیات مربوط به "پروژه" را مطابق آنچه که "کارفرما" اعلام نموده یا مینماید ویاآنچه راکه اقتضاء کار ایجاب مینماید اجرا نماید ودرغیراینصورت "کارفرما" طبق قرارداد وضمائم آن به تشخیص خود نسبت به "مهندس مشاور" عمل خواهد نمود بدیهی است "کارفرما" نیز درطول مدت حل اختلاف تعهدات خود را براساس قرارداد وپیوستهای آن به تشخیص خود نسبت به "مهندس مشاور" انجام خواهدداد."

بعلاوه بموجب ماده ۲۵ قرارداد:

"ماده بیست وپنجم - قانون حاکم بر قرارداد

این قرارداد ازهرجهت تابع قوانین دولت شاهنشاهی ایران بوده ودر ۱۵ نسخه تنظیم وبه امضاء رسیده وکلیه نسخ آن اعتبار واحد دارند."

زبان رسمی قراردادنیز درماده ۲۴ قرارداد به این شرح پیش بینی شده است:

"ماده بیست و چهارم - زبانهای قرارداد

متن این قرارداد به زبانهای فارسی وانگلیسی تنظیم گردیده ، درصورت اختلاف باستثنای ضمیمه های "الف" و "د" که درمورد آنها متن انگلیسی نافذ است ، دربقیه قسمتها فقط متن فارسی بلحاظ حقوقی وقضائی معتبرخواهدبود."

ماده چهارم قرارداد نیزمدت انجام مراحل مختلف قرارداد را پیش بینی می نماید. اتمام تمامی عملیات ساختمانی فرودگاه برای سال ۱۹۸۱ پیش بینی شده بود. در این زمینه بند دوم ماده چهارم قرارداد چنین مقررمی دارد:

"این تفاهم وجود دارد که کلیه عملیات ساختمانی مربوط به این پروژه تاآخر سال ۱۹۸۰ میلادی خاتمه یابد وتحویل قطعی عملیات پروژه تاپایان سال ۱۹۸۱ انجام خواهدشد."

پس از امضاء قرارداد، اجرای آن شروع وادامه می یابد اما با عزیمت مهندسان مشاور از ایران "کمی بعد از پیروزی انقلاب" تمامی کارهای اجرائی پروژه فرودگاه متوقف می شود.

۲) این قرارداد متوقف شده مبنای یک دعوای اصلی ویک دعوای متقابل است که به ترتیب ازطرف خواهان آمریکایی وخوانده ایرانی طرح شده است. خواسته دعوی اصلی مطالبه حق الزحمه هائی است که حسب ادعا، ایران به مهندس مشاور آمریکایی بدهکار است. مجموع مطالبات ادعائی خواهان بدین شرح است:

خدمات تامز برای سازمان هواپیمائی کشوری - صورتحساب شده ولی پرداخت نشده	۷،۰۵۸،۹۸۸ دلارآمریکایی
خدمات تامز برای سازمان هواپیمائی کشوری که تاکنون صورتحساب نشده است	۱،۸۲۶،۶۰۱
مجموع	۸،۸۸۵،۵۸۹ (۱)

(۱) البته مطالبات ادعائی خواهان به ریال ایرانی قابل پرداخت بوده و دارائی های تامز- آفا هم درایران همه به ریال ایرانی بوده است و خواهان این وجوه ریالی را به نرخ ۷۰/۶ ریال تسعیر ومحاسبه نموده است. اما اگر نرخ تسعیر رادرزمان صدور حکم که حداقل ۸۶/۳۲ ریال است مأخذ محاسبه قراردهیم بنابراین خواسته خواهان ازبابت قرارداد ومصادره بشرح زیرخواهدبود:

خدمات تامزبرای سازمان هواپیمایی کشوری صورتحساب شده ولی پرداخت نشده	۵،۷۷۳،۴۵۴ دلار آمریکا
خدمات تامزبرای سازمان هواپیمایی کشوری صورتحساب نشده	۱،۴۹۳،۹۵۳ دلار آمریکا
مجموع	۷،۲۶۷،۵۰۷ دلار آمریکا
سهم تامز درشرکت تامز- آفا	۴۲۰،۸۳۲ دلار آمریکا

موضوع وخواسته دعوی متقابل ایران جبران خساراتی است که حسب ادعا از نقض کارها ونقض قرارداد وسیله خواهان آمریکایی ناشی شده است بعلاوه خواندگان ایرانی صلاحیت دادگاه را هم مورد اعتراض قرارداده اند.

۳) صلاحیت این دادگاه دربند اول ماده ۲ بیانیه حل وفصل دعاوی به این شرح تعیین شده است:

> ۱ - بدینوسیله یک هیئت داوری (هیئت رسیدگی به دعاوی ایران وایالات متحده) بمنظور اتخاذ تصمیم درباره ادعاهای اتباع ایالات متحده علیه ایران وادعاهای اتباع ایران علیه ایالات متحده وهرگونه ادعای متقابل ناشی از قرارداد فیمابین ، معامله یا پیش آمدی که مبنای ادعای آن تبعه باشد تشکیل میگردد. درصورتیکه اینگونه ادعاها وادعاهای متقابل درتاریخ این بیانیه پابرجا بوده ، اعم ازاینکه در دادگاهی مطرح شده باشد یا مطرح نشده ، وناشی ازدیون ، قراردادها (شامل اعتبارات اسنادی یا ضمانتهای بانکی) ضبط اموال ویا هراقدام دیگری که موثر درحقوق مالکیت باشد. موارد مندرج دربند ۱۱ بیانیه مورخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ (۱۹ ژانویه ۱۹۸۱) دولت الجزایر وادعاهای ناشی ازاقدامات ایالات متحده درقبال موارد مذکور درآن بند همچنین ادعاهای ناشی ازقراردادهای تعهدآور فیمابین که درآن قراردادها مشخصا " رسیدگی به دعاوی مربوطه در صلاحیت انحصاری دادگاههای صالحه ایران ، درپاسخ به موضع مجلس شورای اسلامی ایران باشد، ازاین امر مستثنی هستند.

این ماده صلاحیت این دادگاه وشرایط آن رادرمورد دعاوی اتباع دولت آمریکا برعلیه دولت ایران معین می کند.

نیازی به بیان این نکته نیست که وصف انحصاری انتخاب دادگاه که وسیله طرفین قرارداد بعمل می آید ارتباطی به عبارت خاص "صلاحیت انحصاری" ندارد بلکه وجود یک شرط انتخاب دادگاه ونفس انتخاب به دادگاهی که بدینوسیله طرفین

انتخاب کرده اند صلاحیت انحصاری اعطاء میکند ودرهرحال بیان این نکته اهمیت دارد که باتوجه به این واقعیت که قانون مصوبه ازطرف مجلس شورای اسلامی ایران که مجوز دولت ایران برای امضاء موافقت نامه داوری با دولت آمریکا ست به دولت اخیر ابلاغ شده ودربند اول ماده ۲ بیانیه حل وفصل به این قانون صراحتا " اشاره واستنادشده است ، بنابراین "استثناء صلاحیت " مندرج دربند اول ماده ۲ بیانیه حل وفصل باید باتوجه به قانون ایران تفسیر وتعبیرگردد.

مقررات قرارداد موردبحث ازنظرقانون حاکم ودادگاه صالح کاملا" روشن است . قرارداد ازهرنظر تابع حقوق ایران است . تفسیر قرارداد ورسیدگی به تمامی اختلافات ناشی ازآن باید وسیله دادگاههای صالح ایران ومطابق حقوق ایران بعمل آید. باتوجه به این مراتب رسیدگی به مطالبات ادعائی خواهان که موضوع دعوای اول نامبرده است وهمچنین دفاع ودعوای متقابل ایران ازصلاحیت این دادگاه خارج است واین عدم صلاحیت مورد پذیرش اکثریت نیزقرارگرفته است .

II

همانگونه که نشان داده شد نخستین ودرواقع مهمترین دعوای خواهان مطالبه حق الزحمه خدماتی است که مدعی است طبق قرارداد خدمات مشاوره ای انجام داده است . این دعوی مستقیما " از قرارداد ناشی میشود وبرعلیه سازمان هواپیمائی کشوری طرح شده است . رسیدگی به این قرارداد وتفسیر آن وتمامی اختلافات ناشی ازآن از صلاحیت این دادگاه خارج است واکثریت نیز عدم صلاحیت خود رادراین زمینه پذیرفته است . دعوای دیگری ازطرف خواهان برعلیه دولت جمهوری اسلامی ایران طرح شده است . این دعوی ازمصادره ادعائی شرکت تامز- آفا که نصف آن متعلق به خواهان بوده وسیله دولت جمهوری اسلامی ایران ناشی میشود. خواهان شخصا " دارائی های این شرکت راارزیابی نموده وسهم خود را معادل ۵۱۴،۵۳۶ دلار آمریکایی تعیین وپرداخت آن راازدولت جمهوری اسلامی ایران مطالبه نموده است . اکثریت فرض مصادره شرکت تامز- آفا راپذیرفته و

بعلاوه مطالبات ادعائی خواهان را ازبابت قرارداد خدمات مشاوره‌ای که رسیدگی به آن ازصلاحیت این دادگاه خارج بوده‌است بدون درنظرگرفتن دفاع ودعوای متقابل سازمان هواپیمائی کشوری بعنوان دارائی شرکت تامز- آفا تلقی نموده و بدینگونه بطور غیرمستقیم وانحرافی کوشش نموده‌که این مطالبات ادعائی را پرداخت نماید.

مصادره ادعائی تامز- آفا نمی تواند مبنای صلاحیت این دادگاه نسبت به نخستین دعوای خواهان راجع به پرداخت حق الزحمه خدماتی که مدعی است برطبق قرارداد موردبحث انجام داده‌است باشد. درواقع شرکت تامز- آفا بعنوان یک نماینده واسط بین سازمان هواپیمائی کشوری از یک طرف وتامز و آفا از طرف دیگر بوده و وظیفه وی ابلاغ وتحویل صورتحسابها، نامه‌ها ومدارکی که از طرف دوشخص اخیر صادرمیشده به سازمان هواپیمائی کشوری بوده‌است. حقوق وتعهدات طرفین قرارداد کاملا" مستقل بود وارتباطی به تامز- آفا نداشته‌است. با این وصف مصادره ویا انحلال تامز- آفا درهرصورت نمی تواند خللی به این حقوق وتعهدات قراردادی واردآورد وکاملا" روشن است که حقوق قراردادی وصورتحسابهای تامز نمی تواند بعنوان دارائی تامز- آفا تلقی شود. اینها نکاتی است که در زیر به بررسی آنها می پردازیم اما قبل ازبررسی همه این مسائل، شناخت خود تامز- آفا وموضوع مصادره ادعائی آن ضرورت دارد.

۱ - الف) پس از امضاء قرارداد خدمات مشاوره‌ای برای ایجاد فرودگاه بین المللی تهران درماه مارس ۱۹۷۵، مهندسان مشاور یعنی تامز و موسسه فرمانفرمائیان انجام خدمات رادرایران ودرآمریکا شروع میکنند. سپس دونفر اخیر درماه اوت ۱۹۷۵ بمنظور انجام وهماهنگی وارائه خدمات مهندسی موسسه مشترکی بنام موسسه تامز- آفا تشکیل میدهند. طبق ماده ۳ اساسنامه هدف از تشکیل این شرکت فقط ارائه خدمات حرفه‌ای مهندسی و مهندسی ساختمانی در ارتباط با فرودگاه بین المللی جدید تهران متعاقب وطبق شرایط قرارداد مشاوره‌ای بوده‌است. سرمایه شرکت درحدود یک میلیون ریال ایرانی (حدود۱۵هزار دلار آمریکایی) است که ۵۰ درصد متعلق به تامز و ۵۰درصد متعلق به موسسه

فرمانفرمائیان است . اداره واتخاذ تصمیمات شرکت وامضاء تمامی اسناد، چکها وانجام هرگونه پرداخت بطور مشترک بوسیله یک نماینده تامز ویک نماینده موسسه فرمانفرمائیان انجام میشود. وشرکت نیز بعنوان یک شرکت غیربازرگانی درتاریخ ۵۴/۷/۲۴ تحت شماره ۱۶۷۴ دراداره ثبت شرکت های ایران به‌ثبت‌میرسد. همزمان باحوادث انقلابی ایران انجام قرارداد مشاوره‌ای متوقف میشود وبااین وصف موضوع این شرکت هم منتفی میگردد. خانواده فرمانفرمائیان ازایران فرار می کنند و انجام امور عادی و روزمره شرکت تامز- آفا مختل میشود. تامز- آفا فعالیت اقتصادی نداشته ولی دارای‌دفتری‌بوده که درهرصورت چند کارمند داشته وترک ناگهانی مدیران آن مشکلاتی ازنظر پرداخت وتصفیه حساب حقوق کارمندان وپرداخت مال الاجاره وبهاء آب وبرق ایجادنموده‌است . برای رفع این مشکلات در تاریخ ۲۴ ژوئیه ۱۹۷۹ یکنفر مدیر ازطرف دولت برای شرکت تعیین شده‌است . انتصاب مدیر دولتی بدون توجه به واقعیات مربوط به این انتصاب وبدون توجه به وقایع بعدی بعنوان یکی از دلائل مصادره شرکت از طرف اکثریت تلقی شده است . حقایق مربوط به این انتصاب ووقایع بعدی نیازمند توضیحات بیشتری‌است .

۱ - ب) درواقع باسقوط رژیم سابق درایران نظام فرهنگی،اجتماعی، سیاسی، اقتصادی ونظامی سابق نیز فروریخت وبرقراری یک نظام وفرهنگ جدید مشکلاتی در برداشت .پاره‌ای ازمدیران موسسات اقتصادی وکارخانه‌ها که بعضی ازآنها مخصوصا" وامهای سنگینی دربرابر موسسات بانکی ایران داشتند، ایران رادراین لحظات بحرانی ترک کردند. دولتی که به‌تازگی برسرکارآمده‌بود وظیفه داشت‌که نظم را برقرارنموده وازبهم پاشیدگی وتوقف فعالیت های اقتصادی جلوگیری نماید وبه همین منظور بودکه لایحه قانونی مورخه ۱۳۵۸/۳/۲۹ از طرف شورای انقلاب تصویب شد. این قانون به دولت ایران اجازه میدهد که برای اداره موسسات اقتصادی و صنعتی درمواردی که مدیران این موسسات به علل مختلف ازانجام وظائف خویش خودداری می نمایند یااساسا" قادربه انجام وظائف خود نیستند وباآنکه اساسا" موسسات تحت سرپرستی خود رارهاکرده‌اند، مدیران موقتی تعیین نماید. متن ماده اول این قانون بشرح زیراست :

"ماده ۱ - درمورد واحدهای تولیدی وصنعتی وتجاری وکشاورزی وخدماتی اعم ازبخش عمومی وخصوصی منجمله شرکتها وموسسات صنعتی ومعدنی وکشاورزی ،پیمانکاری ، مهندسی مشاور، موسسات وشرکتهای ساختمانی وتاسیساتی ، مجتمع های مسکونی، موسسات حمل ونقل ، موسسات تخلیه وبارگیری دربنادرکه مدیران ویا صاحبان آنها واحدهای مزبور ویا کارگاه خودرا رها کرده ویا کاررا متوقف نموده ویا بهرعلت دسترسی به آنها میسر نیست ونیز بنابه تقاضای صاحبان یا مدیران واحدهای مذکور هریک ازوزارتخانه ها موسسات ویا شرکتهای دولتی که بنحوی با واحد مزبور طرف معامله ویا درارتباط باشند ویا موضوع فعالیت واحد، مربوط به آن وزارتخانه، موسسه ویا شرکت دولتی باشد، میتوانند بمنظور جلوگیری ازتعطیل واحدهای نامبرده با اطلاع وزارت کار وامور اجتماعی یک یا چند نفر را بسمت مدیر یا هیئت مدیره ویا اعضاء ناظر جهت اداره ویا نظارت براداره امور واحدهای مزبور تعیین نمایند."

همانگونه که ملاحظه میشود خود این مقررات بیانگر علل وجهات قانون انتصاب مدیران موقت می باشند. پس از انتصاب ، این مدیران بعنوان نماینده دولت اقدام نمی نمایند بلکه شخصا" به اداره موسسه تحت سرپرستی خود می پردازند. دولت حق اعمال کوچکترین کنترل ویا حق فسخ وابطال تصمیمات متخذه بوسیله این مدیران را ندارد.

بموجب این قانون درتاریخ ۱۳۵۸/۵/۲ آقای آزاد زرین نژاد بعنوان مدیر موقت برای تامز- آفا تعیین میشود. متن حکم انتصاب بدین شرح است :

"نظربا ینکه مدیران اصلی موسسه عبدالعزیزفرمانفرمائیان وهمکاران واحد تحت سرپرستی خودرا رها کرده اند، لذا باستناد لایحه قانونی مربوط به تعیین مدیریا مدیران موقت برای سرپرستی واحدهای تولیدی وصنعتی وتجاری و کشاورزی وخدماتی اعم از بخش عمومی وخصوصی مصوب جلسه مورخ ۱۳۵۸/۳/۲۹ شورای انقلاب اسلامی، بمنظور جلوگیری از تعطیل شرکت وبا اطلاع قبلی وزارت کار وامور اجتماعی ،بسمت مدیر موقت موسسه مذکور منصوب میشویدکه امور آن را با رعایت کامل مفاد لایحه قانونی مذکور که فتوکپی آن پیوست

است اداره نمائید.

حقوق وکلیه مزایای شما بعدا" تعیین وابلاغ میگردد.
چنانچه ضمن عمل به مشکلاتی برخوردکردید مراتب راگزارش
دهید تا نسبت برفع آنها اقدام شود.

علی اکبرمعین فر
وزیرمشاوردرامور
سازمان برنامه وبودجه"

من معتقدم که این انتصاب درجهت حفظ منافع تمام کسانی که با تامز- آفا سروکار داشته‌اند وبرای جلوگیری ازتوقف کارهای شرکت بعلت غیبت ناگهانی مدیران آن، بعمل آمده‌است. ازسوی دیگر کاملا" مشخص است که مدیر دولتی که‌دراین شرایط از طرف دولت تعیین شده‌است فقط قائم مقام نماینده موسسه فرمانفرمائیان درشرکت تامز- آفا بوده ودخالتی نسبت به حقوق تامز درشرکت مزبور بعمل نیامده وعلت انتصاب هم ترک موسسه تامز- آفا ازطرف نماینده فرمانفرمائیان بوده‌است. وقایع دیگر پس ازاین انتصاب بدین شرح است: درتاریخ ۱۳۵۸/۷/۱۵ تامز آقای دانش رابعنوان نماینده خویش معرفی کرده وبنابراین امور روزمره شرکت تامز- آفا طبق اساسنامه بوسیله نماینده دولتی بعنوان قائم مقام نماینده فرمانفرمائیان ونماینده تامز بطور مشترک اداره میشده‌است. لایحه‌ای که در تاریخ ۱۵ سپتامبر ۱۹۸۳ ازطرف یکی ازخواندگان ایرانی ثبت شده‌است حاوی مدارک ومکاتبات متعدد است که همگی حکایت ازحسن تفاهم وهمکاری کامل بین نماینده دولتی وتامز واداره شرکت تامز- آفا بطورمشترک دارد.

دراوت ۱۹۷۹ مبلغ ۳۴،۰۷۱،۸۷۸ ریال ایرانی که بابت دستمزد تامزبه حساب شرکت تامز- آفا پرداخت شده‌بود به شرکت تامزپرداخت میشود. چون دراین زمان تبدیل وصدور ارزبخارج تحت کنترل شدید بود تامز ازبانک مرکزی ایران درخواست تبدیل این مبلغ رابه ارز وصدور آنرابخارج می نماید. مدیر دولتی (قائم‌مقام آفا) وسازمان هواپیمائی کشوری هردوباکمال حسن نیت اقداماتی نزد بانک مرکزی ایران جهت تائید درخواست تامز بعمل می آورند. مدیر دولتی درنامه مورخه ۲۱ اوت ۱۹۷۹ (۳۰ مرداد ۱۳۵۸) خویش خطاب به بانک مرکزی ایران چنین می نویسد:

"... اینجانب تا آنجا که مقررات دولت اجازه میدهد درخواست تامز (تیپس آبت مک کارتی استراتون) را برای تبدیل مبلغ ۳۴،۰۷۱،۸۷۸ ریال به ارز خارجی تائید می کنم..."

همچنین نامه شماره ۶۰۰/۱۰۰/۱۱۶۱۷ مورخه ۳ سپتامبر ۱۹۷۹ (۱۲ شهریور ۱۳۵۸) سازمان هواپیمائی کشوری ایران خطاب به بانک مرکزی حکایت از این دارد که آن سازمان با کمال حسن نیت تمامی کوشش خویش را برای همکاری با تامز جهت تحصیل جواز صدور ارز بعمل آورده است.

امور شرکت همانگونه که گفته شد بطور مشترک وسیله مدیر دولتی ونماینده تامز اداره میشد. آخرین نامه‌ای که در تاریخ ۵۸/۸/۲۳ از طرف تامز- آفا به سازمان هواپیمائی کشوری نوشته شده است دارای دو امضاء است. بعدها در ژانویه ۱۹۸۰ آقای دانش نماینده تامز بدون خبر قبلی ایران را ترک میکند ومخصوصا" باید توجه داشت که شرکت تامز- آفا یک شرکت غیرانتفاعی وغیربازرگانی است و با توقف قرارداد خدمات مشاوره‌ای همزمان با حوادث انقلابی در ایران در سال ۱۹۷۸، موضوع شرکت تامز- آفا هم عملا" منتفی شده است.

با توجه به این مراتب چگونه انتصاب یک مدیر وسیله دولت در این شرایط می تواند بعنوان مصادره شرکت ویا بعنوان اقدامی برعلیه حقوق مالکانه تامز تلقی شود؟ آیا منصفانه واخلاقا" صحیح است که این اقدام را مصادره شرکت تامز- آفا تلقی نموده ودولت ایران را مسئول آن بحساب آوریم؟ مخصوصا" بیان این موضوع اهمیت دارد که تامز- آفا یک شرکت غیرانتفاعی وغیربازرگانی است وانتصاب مدیر فقط برای اداره امور جاری شرکت مانند پرداخت بهاء آب وبرق و روشن نمودن وضع کارمندان ضرورت داشته است.

۱ - ج) توصیفی که اکثریت از شرکت تامز- آفا داده هیچ انطباقی با واقعیت ندارد. در این زمینه فقط اشاره به دونکته کفایت میکند. اکثریت اعلام میکند:

"سازمان برنامه وبودجه دولت ایران در تاریخ ۲۴ ژوئیه ۱۹۷۹ (دوم مرداد ۱۳۵۸) یک مدیر موقت جهت آفا منصوب

نمود. خانواده فرمانفرمائیان یکی از ۵۱ نفریا خانواده‌ای بودکه موسسات بازرگانی آنها طبق بند ۱۵ قانون حفاظت وتوسعه صنایع ایران زیرنظرمدیران دولتی قرارگرفت."

این بیان به خواننده این احساس را میدهد که انتصاب مدیردولتی پیروتصمیم دولت برای مصادره اموال خانواده فرمانفرمائیان ودیگران بموجب قانون حمایت وتوسعه صنایع ایران انجام گرفته‌است. اظهاراکثریت متاسفانه کاملا" بی اساس است. شرکت تامز- آفا یک شرکت صنعتی نبوده وعلت انتصاب مدیر دولتی هم بنحویکه صریحا" درحکم انتصاب قیدشده‌است، ترک موسسه تامز- آفا ازطرف مدیر منتخب خانواده فرمانفرمائیان بوده‌است.

درصفحهٔ ۹ هم اکثریت چنین اعلام می دارد:

"ازمدافعاتی که آفا درپرونده حاضر به ثبت رسانیده آشکاراست که تامز- آفا به فعالیت خود ادامه می دهد، هرچند بدون شک تعداد کارمندان وهزینه‌های آن تقلیل یافته ومدیران عاملی که جانشین مدیرعامل اصلی منصوب دولت بوده‌اند، آنرا اداره می کنند. (تاکیداضافه‌شده‌است)

موضوع شرکت تامز- آفا ارائه خدمات حرفه‌ای مشاوره‌ای موضوع قرارداد مشاوره‌ای بوده‌است. قرارداد اخیر همانگونه که خود اکثریت نیز اذعان نمود دردسامبر ۱۹۷۸ ویاژانویه ۱۹۷۹ کاملا" متوقف شده‌است (صفحه ۸). بااین وصف شرکت تامز- آفا چه موضوعی برای ادامه کاروفعالیت داشته‌است؟

باتوجه به تمامی آنچه گذشت معلوم میشودکه مصادره‌شرکت تامز- آفا فقط یک فرض است، اما اگر همراه بااکثریت فرض کنیم که شرکت تامز- آفا مصادره شده‌است، بازهم یک واقعیت درهرصورت باقی می ماند وآن اینکه بامصادره ویا انحلال شرکت تامز- آفا حقوق وتعهدات قراردادی طرفین درقرارداد موردبحث باقی می ماند ومبالغی که حسب ادعا سازمان هواپیمائی کشوری ایران به تامز بدهکار است بهیچ عنوان نمی تواند دارائی تامز- آفا تلقی شود.

۲ ـ الف) قرارداد خدمات مشاوره‌ای ۱۹ مارس ۱۹۷۵ بین سازمان هواپیمائی کشوری بعنوان کارفرما ازیک طرف وتامز وموسسه فرمانفرمائیان بعنوان مهندس مشاور ازطرف دیگر امضاء شده‌است . این اشخاص بموجب بندهای اول ودوم ماده اول قرارداد طرفهای مستقیم ومسئول قرارداد میباشند ومهندسان مشاور حق انتقال قرارداد راندارند .

شرکت تامز ـ آفا درواقع یک نماینده واسط بین طرفهای قرارداد بوده است و وظیفه داشته که صورتحسابها ومدارکی راکه ازطرف مهندسان مشاور تهیه میشود به سازمان هواپیمائی کشوری تسلیم نماید وارتباط بین طرفین را برقرار نموده و دستمزدها را دریافت داشته وبه مهندسان مشاورتسلیم نماید .

روش عملی اجرای قرارداد وکارکرد شرکت تامز ـ آفا موید تعریف فوق میباشد . خود خواهان درلایحه‌ای که درتاریخ ۲۹ ژوئن ۱۹۸۲ ثبت نموده ، شرکت تامز ـ آفا را بهمین‌نحو وصف وتعریف نموده‌است :

> "این قراردادی بود که بین تامز وآفا (موسسه‌فرمانفرمائیان) بعنوان مهندسین مشاور ازیک سو وسازمان هواپیمائی کشوری بعنوان مشتری ازسوی دیگر ، ... تنظیم شده‌بود . تامز و آفا ، همانطورکه صراحتا " درقرارداد ذکرشده‌است باهم شرکت تامز ـ آفا راتشکیل دادند وتقاضانمودند مشتری مبلغ صورتحسابهای خدمات رابه این شرکت پرداخت نماید . دراین مورد ، قرارداد بشرح زیر مقررمیدارد :
>
> > "مهندس مشاوربمنظور انجام تعهدات خود میتواند شرکت مستقلی طبق قوانین ایران تشکیل داده وبه‌ثبت برساند . انجام خدمات این قرارداد ازطریق این‌شرکت نباید بمنزله انتقال قرارداد تلقی شود وتعهدات مشاور مطابق آنچه دراین قرارداد وضمائم آن ذکر شده باقی خواهدماند . مشاورمیتواند کتبا " ازمشتری تقاضانمایدکه بهای خدمات رابه‌این شرکت جدید پرداخت نماید ."
>
> (دادخواست تامز ، مدرک ۱ ، ماده (۳)۲۰) . طبق شرایط قرارداد ، علیرغم ایجاد شرکت تامز ـ آفا ، تعهدات طرفین در مقابل یکدیگر ثابت میماند . طبق آخرین جمله ماده (۳)۲۰ ،

تامز وآفا صورتحسابهای خدمات خود را ازطریق تامز- آفا
برای سازمان هواپیمائی کشوری ارسال می نمودند."

این عبارات خود خواهان بیانگر ماهیت حقوقی تامز- آفا ووظائفی است که بوی درارتباط با قرارداد مورخه ۱۹ مارس ۱۹۷۹ پروژه فرودگاه تهران واگذارشده است. تذکر این نکته نیز ضرورت داردکه این ماموریت قابل فسخ بوده است. تامز و آفا درهرزمان می توانسته اند بوکالتی که بشرکت تامز- آفا تفویض کرده بودند پایان دهند وخود شخص اخیر نیز می توانست هرزمان ازانجام این وکالت خودداری نماید. باتوجه باین مراتب کاملا" روشن است که مصادره ویا غیبت تامز- آفا که نقش یک وکیل راداشته است نمی تواند کوچکترین اثری در حقوق وتعهدات طرفین قرارداد داشته باشد.

۲ - ب) از تمامی آنچه گذشت چنین مستفاد میشودکه قرارداد، دستمزدها، صورتحسابها، دعاوی وغیره مستقیما" متعلق به تامز طرف قراردادبوده وبهیچ عنوانی نمی تواند دارائی تامز- آفا تلقی شود. اما اکثریت ازتجزیه وتحلیل ماهیت حقوقی شرکت تامز- آفا ونقش وی وتعیین وضعیت ومالکیت صورتحسابها و دعاوی راجع به آن خودداری نموده وفقط به اظهارمطلب زیراکتفا می نماید:

"دیوان دراین رابطه متذکر میگردد که اگر هواپیمائی کشوری صورتحسابهای تسلیمی تامز- آفا را پرداخت کرده بود واین وجوه، قسمتی ازحسابهای توزیع نشده تامز- آفا می بود، درآنصورت مسلما "جزئی ازارزش تامز- آفا بعد از تصفیه آن محسوب میشد.... این اصل دربسیاری نظامهای حقوقی داخلی وحقوق بین الملل، کاملا" پذیرفته شده است که هیچکس نباید مجازباشدکه ازعمل خلاف خودتحصیل سودکند."

باید متذکرشد که اگرسازمان هواپیمائی کشوری ایران این صورتحسابها را پرداخت کرده بود وجوه آن مسلما" به تامز پرداخت شده بود وبهیچ صورت امروز بخشی ازحسابهای تقسیم نشده شرکت تامز- آفا را تشکیل نمیداد. کما اینکه مبلغ ۳۴،۰۷۱،۸۷۸ ریال که برای آخرین باربابت دستمزد تامز از طرف سازمان هواپیمائی کشوری به حساب تامز- آفا پرداخت شده بود دراوت ۱۹۷۹ وسیله مدیر

دولتی تا مز- آفا به تا مز پرداخت گردید. اما صرفنظر از این موضوع درباره این اظهار اکثریت توجه به نکات زیر ضروری است. اکثریت فراموش میکند که درمقام ارزیابی موجودی ها ودارائی شرکت تا مز- آفا بعنوان یک شخص حقوقی مستقل است ودرمقام ارزیابی دارائی های شرکاء تا مز- آفا نیست. این صورتحسابها درواقع متعلق به شخص تا مز وموسسه فرمانفرمائیان می باشد نه شرکت تا مز- آفا و سازمان هواپیمائی کشوری هیچ بدهی ورابطه قراردادی با شخص اخیرندارد واگر بدهی داشته باشد بدهی به شخص تا مزوشخص فرمانفرمائیان داردواین دونفراخیرباید برای وصول مطالبات ادعایی خویش اقدام نمایند. اما بالاتر ازهمه بخشی از ادعای تا مزمربوط به دستمزد خدماتی است که صورتحساب آنها هنوز برای سازمان هواپیمائی کشوری فرستاده نشده وسازمان اطلاعی ازآنها ندارد و تکلیفی به پرداخت آنها نداشته است. چگونه این دعاوی را می توان جزو دارائی های تا مز محسوب نمود. تنظیم بیلان یک شرکت باید منحصرا" محدود به دارائی های خود آن شرکت بوده وتنها باید دارائی های موجود ومشخص ومطمئن را موردنظر ومحاسبه قرارداد. نمی توان یک بیلان را براساس عوامل نا مطمئن وصرفا" فرضی تنظیم نمود ونباید اموال ودارائی های اشخاص دیگر را دراین بیلان وارد کرد. این شاید ازابتدایی ترین ودرعین حال اساسی ترین اصول حسابداری باشد. از سوی دیگر سازمان هواپیمائی کشوری ایران این مطالبات را مورد انکارقرارداده واعلام داشته است که دستمزدهای مهندسین مشاور برابر درصد کارهائی که انجام شده پرداخت شده است وبدهی دیگری ندارد وبعلاوه یک دعوی متقابل هم طرح نمود. اکثریت بلحاظ عدم صلاحیت ازرسیدگی به این دفاع ودعوی متقابل معذوربوده است اما باوجود همه احوال مطالبات ادعائی خواهان راازبابت قرارداد خدمات مشاوره ای جزو دارائی های شرکت تا مز- آفا تلقی ومنظورنموده است!

۲ - ج) بیان این مطلب نیز اهمیت داردکه خود خواهان هرگز قرارداد، صورتحسابها ودستمزدها ودیون سازمان هواپیمائی کشوری را به خویش بعنوان دارائی شرکت تا مز- آفا تلقی ننموده است. خواهان درواقع بین دعوائی که برای مطالبه دستمزد خدماتی که بموجب قرارداد انجام داده ودعوای مصادره شرکت تا مز- آفا تفکیک قائل شده است. درموردد عوای نخست خواهان چنین اعلام می نمایدکه "بزرگترین بخش ادعای

تامز منتج ازقرارداد با سازمان هواپیمائی کشوری درمورد خدمات پروژه فرودگاه است . لازم به تذکر است که این دعاوی درمورد بهای خدماتی است که عملا" توسط تامز بانجام رسیده است " و دستمزد این خدمات مبلغ ۸،۸۸۵،۵۸۹ دلار آمریکایی تعیین ومطالبه شده است . درمورد دعوای مصادره شرکت تامز- آفا وسیله دولت ایران خواهان چنین توضیح می دهد :

"در ۲۴ ژوئیه ۱۹۷۹ یعنی درتاریخ تصرف ، تامز دارای سهم درحسابها وسایر اموال تامز- آفا بود که بین مالکان تامز- آفا یعنی تامز و آفا توزیع نشده بود. بعنوان ضمیمه شماره ۱۰، صورت این حسابها ، اموال وسهم تامز درآنها تقدیم میشود. مدرک ۱۰ نشان میدهد که سهم تامز تا ۲۴ ژوئیه ۱۹۷۹ وتعدیل مربوط به پرداخت اکتبر ۱۹۷۹ معادل ۵۱۴،۵۳۶ دلاراست ."

سپس خواهان درپیوست شماره ۱۰ دادخواست خویش موجودی ودیون تامز- آفا و بالنتیجه باقیمانده یعنی دارائی نهائی شرکت را محاسبه وسهم خود را معادل ۵۱۴،۵۳۶ دلار آمریکایی تعیین نموده است .

ملاحظه میشودکه اکثریت تمامی این واقعیات را نادیده گرفته ، وصف وخواسته دعوی خواهان راکاملا" تغییر داده است . اکثریت همچنین اصطلاح "محرومیت از مالکیت " رابکارمی برد. چنین اصطلاح خودساخته‌ای نه دربیانیه‌های الجزیره ونه در دادخواست خواهان یافت نمی شود. ارزیابی هم که اکثریت ازمطالبات ودعاوی خواهان نموده است کاملا" خودسرانه است .

III

۱ -"مکانیسم پیش بینی شده درقرارداد برای دستمزد مهندس مشاور"

۱ - موضوع قرارداد موردبحث ، استفاده ازخدمات مشاوره‌ای مهندس مشاور وسیله سازمان هواپیمائی کشوری ایران درارتباط با پروژه فرودگاه بین المللی تهران بوده است . این خدمات مشاوره‌ای درضمیمه الف قرارداد توضیح داده شده و

شامل هشت بخش می باشد :

بخش ۱	-	طرح جامع
بخش ۱ - الف	-	آزمایش خاک وبرنامه آزمایش
بخش ۲	-	طرح مقدماتی
بخش ۳	-	طرح تفصیلی
بخش ۴	-	نظارت برساختمان
بخش ۵	-	مدیریت پروژه
بخش ۶	-	نظارت برمشاورین جزء
بخش ۷	-	تهیه چارت های سازمانی وبرنامه آموزش

وبموجب ماده ۸ قرارداد حق الزحمه خدمات مشاوره ای برطبق ضوابط مندرج درضمیمه ب قرارداد تعیین میشود. ماده اول این ضمیمه راجع به حق الزحمه خدمات مهندس مشاور دربخش های مختلف قرارداد است . برای طرح جامع یک حق الزحمه مقطوع بمبلغ ۱۸۰ میلیون ریال مقررشده است وبموجب بند دوم ماده اول "حق الزحمه مهندس مشاوربرای بخشهای دوم ،سوم ،چهارم وپنجم قرارداد معادل درصدی از هزینه تمام شده است . هزینه تمام شده وعناصر تشکیل دهنده آن بنوبه خود دربند ب ماده اول تعیین ومشخص شده اند. ضمیمه ب همچنین حاوی جدول درصدهای گوناگون است ". طبیعی است هراندازه که هزینه تمام شده بیشترباشد درصد حق الزحمه مهندس مشاور بالاتراست . ازطرف دیگر، درصدحق الزحمه برای بخشهای مختلف قرارداد یکسان نیست . این مکانیسم یک اشکال دربردارد. تعیین هزینه نهائی وتمام شده و بالنتیجه تعیین دستمزد مهندسی مشاور فقط درپایان پروژه میسر خواهدبود ولی برای انجام کار درآغاز ودرحین اجرای کار بطورماهانه نیز باید وجوهی به مهندس مشاورپرداخت شود. مبنای محاسبه این وجوه چیست ؟ برای این منظور تبصره ذیل ماده دوم ضمیمه ب قرارداد چنین اشعارمیدارد:

> تبصره - بمنظور تعیین مبلغ پرداختهای اقساطی قسمت دوم وسوم خدمات " مهندس مشاور" یک برآورد مقدماتی دراولین فرصت وحداکثر تاپایان ماه هشتم تهیه وتسلیم "کارفرما" خواهدنمود. این برآورد پس ازآنکه به تصویب "کارفرما" رسید مبنای تعیین پرداختهای هرقسط قرارمیگیرد.

متعاقبا " ودرپایان هرقسمت ازخدمات یک برآوردکامل بشرح مندرج در"ضمیمه الف" از طرف "مهندس مشاور" تهیه‌شده وپس از تصویب ملاک عمل جهت تعیین مبلغ حق الزحمه وپرداختهای ماهانه قرارخواهدگرفت . درصورتیکه درجریان هریک از قسمتهای خدمات برآورد قبلی اصلاح شود ومورد تصویب "کارفرما" قرارگیرد برآورد جدید ملاک کارخواهدبود .

"کارفرما" پس ازپایان کلیه عملیات مربوط به "پروژه حق الزحمه "مهندس مشاور" را برمبنای صورت وضعیت قطعی پیمانکاران وبراساس هزینه عملیات ساختمانی محاسبه ومبنای پرداخت نهائی وتسویه حساب مهندس مشاور قرارخواهدداد .

دراجرای این ماده مهندس مشاور درآغاز عملیات اجرائی پروژه هزینه نهائی را ابتدا بمبلغ ۷۸۷،۰۰۰،۰۰۰ دلار آمریکایی برآورد نموده وسپس این مبلغ را به ۱،۰۷۵،۰۰۰،۰۰۰ دلار افزایش داده است . ولی سازمان هواپیمائی کشوری بموجب نامه مورخه ۳۰ مهرماه ۱۳۵۴ رسما " به مهندس مشاور اعلام نموده است که برای تمامی هزینه‌های پروژه بودجه‌ای معادل ۶۰ میلیارد ریال تعیین وتصویب شده است. با این وصف روشن است که هزینه تمام شده ونهائی پروژه فرودگاه بین‌المللی تهران موضوع قسمت ب ماده اول ضمیمه دوم قرارداد نمی تواند ونباید از مبلغ شصت میلیاردریال بودجه مصوبه تجاوز نماید .

پس از اعلام بودجه مصوبه ،مهندس مشاور هزینه توصیفی را برای قسمت ها و بخشهای مختلف طرح با توجه به بودجه مصوبه تنظیم وبه کارفرما (سازمان هواپیمائی کشوری) پیشنهاد می کند که این ترتیب بایستی مبنای پرداختهای موقت ماهانه قرارگیرد. این پرداختها باید درهنگام تعیین نهائی دستمزد مهندس مشاور وتسویه حساب منظور شود .

۲ - تعیین دستمزد مهندس مشاور درشرایط فعلی

خواهان براساس همان برآورد پیشنهادی خویش ازهزینه نهائی ، دستمزد خدمات ارائه شده را محاسبه ومطالبه نموده‌بود. برآورد پیشنهادی‌خواهان با هزینه نهائی‌مصوبه که می بایستی مبنای محاسبه دستمزدقرارگیردمتفاوت‌است . اما اشتباه خواهان را در

این زمینه بسادگی می توان تصحیح نمود، لیکن اشکال اساسی جای دیگری است. درپایان کار هنگامیکه مهندس مشاور درتمامی بخش ها وقسمت های طرح، صد درصد وظائف وکارهای خویش را انجام داده واین کارها نیز مورد رضایت کارفرما بوده است، تعیین دستمزد کارشناس اشکالی ایجاد نمی کند. اما اکنون پروژه تمام نشده وکارها ناگهانی متوقف شده است، بنابراین برای تعیین دستمزد کارشناس در شرایط فعلی باید اولا" درصد کاری راکه درهربخش مهندس مشاور انجام داده تعیین نمود ثانیا" وصف آنرا مورد ارزیابی قرارداد. این دوعامل برای تعیین دستمزد کارشناس درشرایط فعلی اساسی است ولی دراین زمینه بین طرفین اختلاف اساسی وجود دارد.

درمورد درصدکارهائی که انجام شده اختلاف بین دادخواست ودفاع بشرح زیر است:

بخش های قرارداد	درصدتکمیل شده (اکتبر ۱۹۷۹) خواهان	خوانده
بخش ۱ - تهیه نقشه اصلی	%۱۰۰	%۱۰۰
بخش ۱- آ- آزمایش خاک وبرنامه آزمایش	معلوم‌نیست (توسط پیمان‌کاران جزء انجام‌شده)	
بخش ۲ - تهیه مدارک مربوط به طرح اولیه	%۱۰۰	%۱۰۰
بخش ۳ - تهیه طرح تفصیلی ومدارک مناقصه	%۸۶	%۳۵
بخش ۴ - نظارت برساختمان	%۵	%۰
بخش ۵ - مدیریت پروژه	%۴۰	%۰
بخش ۶ - نظارت برمشاورین جزء	%۰	%۰
بخش ۷ - تهیه چارت های سازمانی وانجام خدمات آموزشی برای پرسنل فرودگاه	%۰	%۰
براه انداختن محل	%۱۰۰	%۰

اما آنچه مخصوصا" مورد اعتراض سازمان هواپیمائی کشوری است وصف کارهائی‌است‌که بموجب قرارداد انجام شده است.

مهندس مشاور پیوسته مسئول صحت مدارک ونقشه‌هائی که‌تهیه کرده میباشد و حتی بموجب بند چهارم ازماده پنجم قرارداد:

"۴ ـ تصویب "کارفرما" رافع مسئولیت "مهندس مشاور" در مورد صحت ومتناسب بودن مدارک نمیباشد."

وهمچنین درماده دوم (قسمت سوم وچهارم) ومخصوصا" درذیل تابلوی پورسانتاژ دستمزد برای بخش های مختلف طرح، همه‌جا با صراحت قیدشده‌است که پرداخت آخرین قسط هربخش منوط به تصویب نهائی گزارش آن بخش است.

درمورد دقت وکوشش ومهارت مهندس مشاور درانجام وظائف خویش، ماده دوازدهم قرارداد چنین اعلام داشته‌است:

"ماده دوازدهم ـ دقت وکوشش

"مهندس مشاور" باید تعهدات ناشی ازاین قرارداد را با بکاربردن بهترین روشهای متداول حرفه‌ای درسطح بین ـ المللی وبا بکاربردن بهترین استانداردهای فنی مورد قبول "کارفرما" انجام داده وانجام وظائف ناشی از این قرارداد منتهای مهارت وجدیت ومراقبت خودرا بکار برد."

بموجب مدارکی که سازمان هواپیمائی کشوری ایران ارائه داده‌است نواقص ونارسائی کارها مرتبا" به مهندس مشاور اعلام شده‌است. مخصوصا" درمورد طرح نهائی از طرف CAO صراحتا" بموجب نامه شماره ۳۶/۴۱ مورخه ۱۳۵۴/۷/۱۱ اعلام شده‌که مهندس مشاورمی تواند با مسئولیت خود طرح نهائی را شروع کند ودرنقشه ـ هائی که دراین زمینه مهندس مشاورتهیه کرده اشکالاتی وجود داشته که لیست قسمتی ازآنها طبق نامه شماره ۱۰/۳۲-۲-۱۵۰۵ مورخه ۱۳۵۹/۷/۵ به‌او اعلام شده است ودرهرصورت مهندس مشاور ۵۵% کارها راانجام داده که فقط ۳۵ درصد آنها مورد تأییدکارفرما قرارگرفته‌است ودرموردمدیریت طرح اساسا" اجازه آغازکار، موضوع بند دوم ماده ۳ قرارداد، به مهندس مشاور داده‌نشده است وعلاوه براین، مهندس مشاورهرگز صورتحسابهای جداگانه‌ای که حاکی از

انجام خدمات مدیریت باشد بنحوی که درماده دوم" B5 " ضمیمه دوم قرارداد پیش بینی شده است برای کارفرما ارسال نداشته است .

سازمان هواپیمائی کشوری ایران همچنین دعوای متقابلی طرح نموده است. اکثریت بلحاظ عدم صلاحیت ازرسیدگی به دعوای متقابل ایران خودداری کرده است اما درهرصورت صرفنظر ازدفاع ودعوای متقابل ایران، تعیین میزان دستمزد کارشناس ، مسائل فنی، حسابداری وحقوقی متعددی راطرح میکند ولی اکثریت در برابرهمه این مسائل به سکوت مطلق پناه برده ودرحالت سکوت وابهام فقط اعلام میکند :

"این نکته باید به روشنی درک شود که این حکم درمورد حقوق وتعهدات طرفین قرارداد فرودگاه بین المللی یا تعهدات دیگری که تامز- آفا به مقامات مالیاتی وبیمه - های اجتماعی ایران یا اشخاص ثالث دارد قضاوت نمی کند."

اکثریت دربرابرمسائل حقوقی ، فنی ومالی این پرونده ساکت ومبهم است اما درست برعکس ،موضع اکثریت در دستور انتقال وپرداخت مبلغ ۵،۵۹۵،۴۰۵ دلار آمریکا ازحساب امانی به خواهان کاملا" روشن وقاطع است .

نتیجه

۱) دعوایی که دراین هیئت داوری مطرح شده است ناشی ازقراردادی است که در تاریخ ۱۹ مارس ۱۹۷۵ درتهران بین سازمان هواپیمائی کشوری از یک طرف وموسسه فرمانفرمائیان وتامز (خواهان آمریکایی) ازطرف دیگر امضاء شده است . حقوق وتعهدات ناشی ازقرارداد مستقیما" مربوط به طرفهای مستقیم امضاء کننده قرارداد بوده وقابل انتقال نبوده است . بموجب مواد ۱۹ و ۲۵ قرارداد، قرارداد وتمامی روابط قراردادی طرفین تابع قانون ایران بوده وتمامی اختلافات ناشی از آن درصلاحیت انحصاری دادگاههای ایران بوده است . حتی بموجب ماده ۲۴ زبان قرارداد هم زبان فارسی است . بموجب قید صلاحیت محاکم ایران مندرج درذیل بند

اول ماده ۲ بیانیه حل وفصل دعاوی، این دعوی ازصلاحیت این دادگاه داوری خارج بوده است .اکثریت با توجه به مقررات قرارداد وماده ۲ بیانیه حل وفصل که ماموریت این دادگاه را مشخص ودرعین‌حال محدودمی کند عدم صلاحیت خویش را پذیرفته اما از طرف دیگر با توسل به تاکتیک دیگری‌تمامی مقررات فوق را نقض نموده است .

مهندسان مشاور طرف دوم قرارداد، برای ایجاد ارتباط وهماهنگی درانجام خدمات فنی موضوع قرارداد ،شرکتی به نام شرکت تامز- آفا تشکیل داده‌بودند . اکثریت بناحق فرض نموده که شرکت تامز- آفا مصادره‌شده‌است وسپس وجوهی راکه خواهان حسب‌ادعا ازبابت قرارداد طلبکاربوده‌است ، مجرد از دفاع ودعوای متقابل ایران بعنوان دارائی تامز- آفا مورد توجه ومحاسبه قرارداده‌است .

توصیفی که اکثریت ازشرکت تامز- آفا داده‌است واقعی وبیطرفانه نیست زیرا بخش وسیعی ازحقایق ومدافعات خواندگان دراین زمینه مکتوم مانده‌است. تامز- آفا فقط بصورت یک‌موسسه غیرانتفاعی باسرمایه‌ای معادل ۱۵ هزار دلار آمریکایی ثبت شده‌ونقش‌آن فقط نقش‌یک دفتر رابط بین تمامی طرفهای قرارداد خدمات فنی مورد بحث بود. طبعا" باتوقف اجرای قرارداد درسال ۱۹۷۸، موضوع و هدف این شرکت هم منتفی‌میشود. این موسسه غیرانتفاعی قابل مصادره نیست و مخصوصا" درمارس ۱۹۸۰ تاریخی که دادگاه مصادره آنرافرض نموده هیچ موضوعی نداشته‌است .

هیچ اقدامی ازطرف دولت ایران علیه منافع "تامز" صورت نگرفته‌است ودرهر صورت مصادره ویاانحلال این شرکت لطمه‌ای به حقوق قراردادی تامز واردنمی‌کند. قرارداد وحقوق فرضی قراردادی خواهان وصورتحسابها درهیچ صورتی نمیتواند جزو دارائی شرکت تامز- آفا تلقی شود. حقیقت امرآن است‌که تامز دراین دادگاه ازچیز دیگری رنج می بردوآن وجود مواد ۲۵ و۱۹ قرارداد وقید صلاحیت دادگاههای ایران درذیل بند اول ماده ۲ بیانیه حل وفصل است واین دادگاه صرفا" درمقام چاره‌جویی برای رفع این مشکلات بوده‌است ومصادره شرکت تامز- آفا به آن صورتی که اکثریت وصف وفرض کرده‌است درهمین دیدگاه قرارمی گیرد.

اکثریت درموارد متعدد به حقوق بین الملل اشاره میکند اما درعین حال بسیاری ازقواعد اساسی حقوق بین الملل درباره تفسیر واجرای معاهدات بین - المللی مانند اصل "نتایج مؤثر" ومخصوصا " اصل تفسیر باحسن نیت رانادیده میگیردوبرخلاف اصول فوق عملا" مانع اجرای قید شرط صلاحیت محاکم ایران شده است . اکثریت درخلاء به بیان چند تعریف وفرمول درباره مصادره درحقوق بین الملل می پردازد اما دلیلی ارائه نمی کند که چگونه این تعریف های فرضی درموردحاضر قابل اجرااست و کلیه مسائل حقوقی ، فنی ومالی پرونده حاضر رانیز بی جواب گذاشته است .

اکثریت به رسیدگی به قرارداد ومطالبات قراردادی می پردازد اما برای اجتناب ازرسیدگی به دفاع ودعوی متقابل سازمان هواپیمائی کشوری ایران اعلام می دارد :

> "این نکته باید به روشنی درک شود که این حکم درمورد حقوق وتعهدات قرارداد فرودگاه بین المللی یا تعهدات دیگری که تامز- آفا به مقامات مالیاتی وبیمه های اجتماعی ایران یا اشخاص ثالث دارد ، قضاوت نمی کند."

۳) ما داوران ایرانی درزیر دادنامه‌ای که ازسوی اکثریت درپرونده الف - ۱۸ صادر شد ، نوشتیم که ترکیب فعلی این دادگاه بهیچوجه بیطرفانه نبوده و صالح برای رسیدگی به اختلافات بین یک کشور جهان سوم و آمریکا نیست . این عدم بیطرفی را بنحو بارز و کاملا" آشکاری در رسیدگی به پرونده حاضر احساس کردم . شخص آقای ریپهاخن تمامی اصول حقوقی وحتی ساده‌ترین اصول حسابداری و فنی را نادیده گرفته است . من در یک مرحله ازشور و بررسی دادگاه دیگر کاملا" متقاعد شده بودم که هدف شخص آقای ریپهاخن انتقال میلیون ها دلار از سپرده های دولت ایران به آمریکاست . بنابراین تمامی زحمات من برای تجزیه و تحلیل مسائل حقوقی و فنی و حسابداری و حتی کوشش من برای رسیدن حداقل به یک راه حل کم وبیش عادلانه بی نتیجه ماند.

بیان این مطلب نیز تأسف آور است که ارزیابی مطالبات قراردادی خواهان هم که بطورمجرد وجدا ازدفاع ودعوی متقابل ایران صورت گرفته کاملا" خودسرانه بوده است . قرارداد مربوط به یک پروژه کاملا" تکنیکی است . تعیین میزان دستمزدها بدون شناخت مکانیسم قراردادی دستمزدها وبررسی دقیق مقررات مربوطه قرارداد وبررسی فنی وحسابداری وقایع امکان پذیر نیست . من می توانم صادقانه سوگند یادکنم که آقای ریپهاخن هیچ مطالعه‌ای ازپرونده، دفاع ایران وجهات فنی وحسابداری قرارداد ننمود. سه‌رقم A. B. C. به ایشان پیشنهاد شد و نامبرده بدون آگاهی ازترکیب وماهیت این سه رقم یکی راانتخاب نمود. چرا رقم B ونه رقم A ویا C . هیچ جواب روشنی ایشان به مسائل حقوقی این پرونده نداشت ودادنامه متضمن هیچ استدلال وتوجیه وحتی کمترین توضیحی درباره نحوه ارزیابی نیست .

من چون کاملا" متقاعدشدم که مشاوره ورسیدگی به این پرونده صمیمانه و بیطرفانه نبوده وانتقال میلیونها دلار ازصندوق ملت ایران به آمریکا بطور غیرمشروع وغیرقانونی صورت میگیرد ازامضاء رای خودداری کردم. اگر این "حکم" بطور اتوماتیک وبدون توجه به حق دفاع واعتراض های‌مشروع جمهوری اسلامی ایران اجرا شود دراینصورت به نظر اینجانب آنچه که دراین جا بنام "داوری بین‌المللی" جریان دارد چیزی جز یک مکانیسم آشکار برای برداشت غیرقانونی از اموال ملی جمهوری اسلامی ایران نیست .

دکترشفیع شفیعی